

پیام یونسکو

شماره ۳۸۴ ، سال سی و ششم
تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۹۲



جزیره های کوچک، مشکلات بزرگ

گفت و گو با:
کریس توماس، زیست شناس

بهم: آینده
این قلعه ایرانی

دسترسی به این متن ، روی نشانی اینترنتی www.unesco.org/courier امکان پذیر است .
مقالات ، بیانگر عقاید نویسندگان است و منعکس کننده نظرات کمیسیون ملی یونسکو در ایران نیست .

پیام یونسکو

شماره ۳۸۴، سال سی و ششم
تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۹۲

فهرست

مترجم: داوود طبایی

گفت و گو* کریس توماس/ راهی برای گریز وجود ندارد
فعالیت‌های یونسکو*

فرهنگ* ایران: کورس‌های امید در بم/ بعد از زلزله، بازسازی
علوم* دانشمند حواس پنج‌گانه/ گفت‌وگو با کریستین پتی، یکی از برندگان سال ۲۰۰۴ جایزه
اورثال یونسکو برای « زنان در علوم »

ارتباطات* یکسان‌سازی در خدمت تنوع/ پشتیبانی از تنوع زبان در عصر دیجیتال
علوم اجتماعی* شهرهای ساحلی کوچک: تاریخی و پیشگام/ پنج بندر مدیترانه‌ای در مسیر/
توسعه پایدار گام نهادند
آموزش* صلح را به زمین‌های بازی بکشانیم/ آموزش حل مشکلات به کودکان، قبل از اینکه به
خشونت متوسل شوند

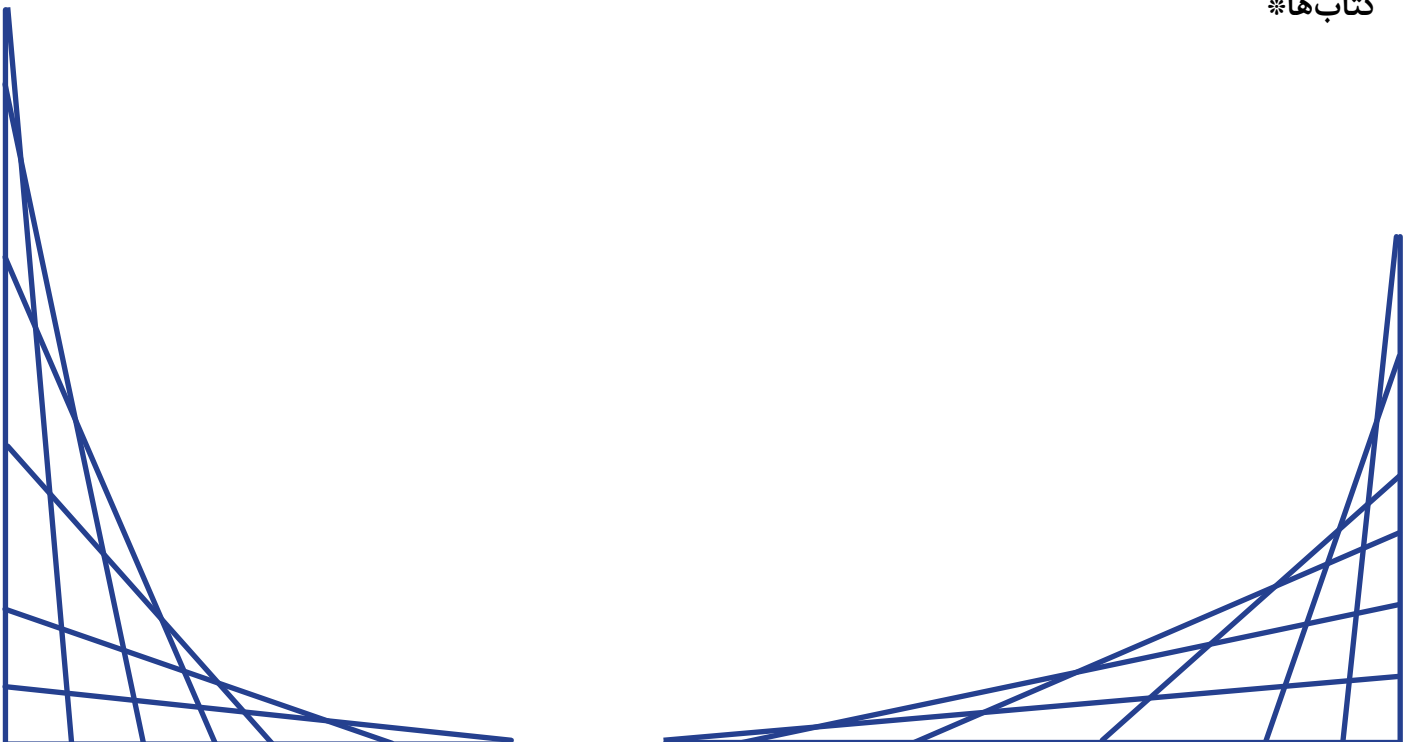
خبرهای کوتاه درباره یونسکو*

کانون* جزیره‌های کوچک، مشکلات بزرگ/ آینده کشورهای کوچک جزیره‌ای در معرض خطر
است/ تغییرات آب و هوا و

بالا آمدن سطح آب دریاها، هستی آنها را تهدید می‌کند، در عین حال فشارهای جهانی شدن، بر
فرهنگ‌های سنتی آنها تأثیر جدی می‌گذارد

شرکا* طرح‌های جدید در دست اقدام با شرکایی از بخش‌های دولتی و خصوصی به همراه جامعه
مدنی و شخصیت‌های مهم هنری

کتاب‌ها*



در سپتامبر سال ۲۰۰۴، کارشناسان جامعه مدنی و نمایندگان دولتی در موریس گرد هم آمدند تا مسئله سلامت کشورهای کوچک جزیره‌ای در حال توسعه جهان را ارزیابی کنند. این گردهمایی، متعاقب کنفرانس باربادوس (۱۹۹۴) که در آن پانزده ناحیه به عنوان جزیره های فوق‌العاده آسیب‌پذیر و نیازمند اقدامات ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شده بودند، برگزار شد. آیا طی ده سال گذشته در این وضعیت بهبودی حاصل شده است؟ پیتر کولز - خبرنگار - از طرف پیام نوین یونسکو به اقیانوس آرام سفر کرد تا ببیند مردم جزیره‌نشین این بخش از جهان، با تغییرات ناشی از اختلالات جوی و بالا آمدن سطح آب دریا و یا افزایش شهرنشینی و تأثیر آن بر فرهنگ‌ها و شیوه‌های زندگی سنتی، ایدز و گردشگری انبوه چگونه دست و پنجه نرم می‌کنند. مجموعه اسناد به دست آمده که در این شماره به آنها اشاره شده است نشان می‌دهد، گرچه ممکن است بهشت گم نشده باشد، اما چالش‌هایی که ساکنان جزیره‌ها با آنها مواجه‌اند، هنوز تهدیدکننده‌اند.

سناریوی ارائه شده در مصاحبه کریس توماس، نویسنده برجسته - جامع‌ترین مطالعه‌ای که تاکنون در مورد تأثیر احتمالی تغییرات آب و هوا بر تنوع زیستی صورت گرفته - ترسناک است؛ زیرا در آن انهدام جمعی‌ای را پیش‌بینی می‌کند که همسان با حادثه‌ای است که منجر به نابودی دایناسورها شد.

اگر این مقالات زنگ خطر را به صدا درمی‌آورند و نیاز به اقدام را هشدار می‌دهند، گزارش‌های این شماره دلایلی هستند بر زیرکی و هوش بشر که برای حل مشکلات سایر جوامع ضروری‌اند. کار کریستین پتی، یکی از پنج برنده سال ۲۰۰۴ جایزه اورثال یونسکو برای «زنان در علوم» منشأ امید برای میلیون‌ها ناشنوا در سراسر جهان است. همچنین راهی را که جامعه بین‌المللی متفقاً پیموده است تا به بازماندگان دردمند شهر تاریخی «بم» در ایران - که قسمت اعظم این شهر به دنبال زمین‌لرزه‌ای ویرانگر در دسامبر ۲۰۰۳ ویران شد - کمک کند، بسیار الهام‌بخش است. یونسکو همراه با مقامات ایرانی و بسیاری از مشارکت‌کنندگان دیگر در مورد بازسازی احتمالی این شهر قدیمی، فعالیت می‌کند. همچنین ابتکار یونسکو تحت عنوان «بابل» که برای گسترش کاربرد تمام زبان‌ها و خط‌ها در فناوری ارتباطات نوین از جمله اینترنت تلاش می‌کند، برای شکستن سدهای ارتباطی و بزرگداشت تنوع فرهنگی شگفت‌آور ما دلگرم‌کننده است و نشان می‌دهد که اگر تمایل به ایجاد تحول وجود داشته باشد، چه کارها که می‌توان انجام داد.

سو ویلیامز

گفت‌وگو با: کریس توماس

راهی برای گریز وجود ندارد

بر اثر تغییرات آب و هوایی مورد انتظار تا سال ۲۰۵۰، بیش از یک میلیون گونه از موجودات نابود خواهند شد. یونسکو با کریس توماس، نویسنده طراز اول تحقیقات جامع در زمینه این بحران در شرف وقوع، به گفت‌وگو می‌نشیند.

پیام جدید یونسکو: چه چیزی این پژوهش را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند؟

کریس توماس: دانشمندان سال‌ها درباره احتمال انقراض انواع موجودات بر اثر گرم شدن آب و هوا گفت‌وگو کرده‌اند، اما ما برای اولین بار این سؤال را مطرح کردیم که چقدر از موجودات بر اثر گرم شدن کره زمین در حال انقراض‌اند و یا احتمال دارد منقرض شوند. شاید مهم‌ترین کاری را که ما انجام دادیم، ایجاد چارچوبی برای تحلیل این مشکل و حتی مطرح کردن امکان تحلیل آن باشد.

آیا شما هنگام تقاضای سرمایه‌گذاری، با مخالفت سیاسی مواجه شدید؟

مخالفتی وجود نداشت، چون برای این همکاری هیچ نوع بودجه‌ای پیش‌بینی نشده بود، ما صرفاً کار را انجام دادیم. حدود دو سال پیش IUCN (اتحادیه جهانی حفاظت محیط زیست) تعداد دو کارگاه برای بحث درباره تأثیر آب و هوا بر حفظ محیط‌زیست برگزار کرد. گروهی از ما با هم به بحث و گفت‌وگو پرداختیم و دیری نپایید که در سراسر جهان موفق به تشکیل شبکه‌ای از گروه‌هایی شدیم که به امر ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی در مورد الگوی متعدد گونه‌های مختلف موجود در کشورشان مشغول بودند. تأمین بودجه به شکلی بود که فقط حقوق‌های ما پرداخت شود، اما هیچ پولی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها وجود نداشت.

شما یافته‌های گزارش را «وحشتناک» توصیف کرده‌اید، اما به دلیل آنکه تحقیق انجام شده قادر به بررسی تخریب محل سکونت به علت جنگل‌زدایی نبود، آیا ارقام گزارش شده کمتر یا کوچک‌تر از واقعیت نیستند؟

ما در مورد گنجاندن آن در این بررسی فکر کردیم، اما خیلی زود در خصوص کیفیت و قابلیت مقایسه داده‌ها برای استفاده از زمین در نقاط مختلف جهان با مشکلات مواجه شدیم. هیچ کدام از این بررسی‌ها ایرادی نداشتند اما با روش‌های نسبتاً متفاوتی انجام شده بودند. ما وقت و منابع لازم را برای اینکه بتوانیم ماه‌های زیادی را صرف همانند کردن شکل این داده‌ها کنیم، در اختیار نداشتیم. حالا اگر قدری سرمایه‌گذاری بین‌المللی برای برآورد تأثیر ترکیبی تغییرات آب و هوا و استفاده از زمین صورت گیرد، فوق‌العاده مؤثر خواهد بود.

آیا موج عظیم انقراض بعدی که درباره آن صحبت می‌کنیم با آنچه که توسط آتشفشان‌ها و شبه سیارات در گذشته به وقوع پیوسته، قابل مقایسه است؟

پنج انقراض عظیم و معروف داشتیم که مشهورترین آنها همان حادثه‌ای است که دایناسورها را نابود کرد. حتی در مورد انقراض‌های بزرگ، نمی‌دانیم که چند مورد از آنها با حادثه‌ای آغازگر، به وقوع پیوسته‌اند - مثل تأثیر شهاب‌سنگ‌ها یا انفجارهای آتشفشانی - و یا در اثر نوسانات آب و هوایی ناشی از آن حادثه ایجاد شده‌اند. ضمناً تعداد زیادی از انقراض‌های کوچک‌تر نیز صورت گرفته‌اند. آنچه که ما امروز به وسیله گازهایی گلخانه‌ای به همراه تخریب زیست‌بوم انجام می‌دهیم، مسلماً با یکی از آن حوادث هم‌طراز است. مسئله این است که آیا این در مرتبه پنج انقراض بزرگ قرار می‌گیرد یا خیر.

چرا ما زودتر به این بحران در شرف وقوع پی نبردیم؟

باید چشم‌انداز بین‌المللی را در نظر گرفت و اینکه یکجا جمع کردن بررسی‌های انجام شده جهانی کار آسانی نیست. مثلاً می‌شود یک بررسی تفصیلی را در مورد چگونگی انقراض یا شیوع گونه‌ها در انگلستان انجام داد، اما برای اینکه دانسته شود که بعضی از گونه‌ها جایی برای گریختن ندارند، به یک چشم‌انداز بین‌المللی نیاز است. گزارش ما تا آنجا که امکان داشته صریح است. با وجود این، بسیاری می‌گویند: «اوه! شما خیلی جنجال‌برانگیز هستید». در واقع آنها با اعداد گزارش شده، مضطرب شده‌اند، من هم همین‌طور.

شما به مخالفان تغییرات آب و هوا چه پاسخی می‌دهید؟

این مخالفان، صدای بیش از حد بلندی دارند. مثل بسیاری از موضوع‌ها در رسانه‌ها می‌بینید که شخصی از بحثی دفاع می‌کند و شخص دیگری برای ایجاد توازن کذایی آن را نفی می‌نماید، با علم به اینکه ۹۹ درصد از متخصصان، به آن دیدگاه معتقدند و فقط یک درصد به دیدگاه دوم عقیده دارند؛ ما صرفاً پایه را بر آنچه که اکثریت اقلیم‌شناسان گفته‌اند، گذاشته‌ایم، اما این بدان معنی نیست که منکر تردیدهای بزرگی شویم که مورد تصدیق اقلیم‌شناسان است. ما در موقعیت یک داستان خیالی قرار نداریم تا آینده احتمالی را به تصویر کشیم. در این تحقیق پدیده‌ای را که قبلاً در دست بررسی و اقدام بود، به سرعت پیش بردیم. افزایش دمای هوا بین سی تا چهل سال گذشته به وضوح نشانه گرم شدن هوا به دلیل دخالت عامل انسانی بود. ما می‌دانیم که این مسئله بر پراکندگی گیاهان و حیوانات در سراسر جهان تأثیر گذاشته است.

بعضی‌ها از گزارش شما این‌گونه انتقاد می‌کنند که جانوران و گیاهان، خود را با تغییرات آب و هوا وفق می‌دهند.

مسئله آنها می‌تواند این کار را بکنند، اما گونه‌ها به ندرت می‌توانند با سرعت کافی خود را با محیط سازگار کنند، خصوصاً در برابر تغییر ناگهانی آب و هوا شواهد، که بسیار هم تعجب‌آورند، حاکی از آن‌اند که با تغییرات آب و هوا، چه این تغییر در سی سال گذشته یا خیلی قبل از آن (به زمان زیست‌شناختی) رخ داده باشد، گونه‌ها در یک جا نمی‌مانند، آنها حرکت می‌کنند و خود را با محیط وفق می‌دهند. اگر شما یک حیوان یا گیاه باشید، ممکن است با آغاز تغییرات در آب و هوا شروع به سازگاری نمایید، اما تعداد زیادی از نوع شما، اگر تنوع ژنتیک کافی نداشته باشند تا رشد کنند و خود را با میزان تغییرات محیطی هماهنگ سازند، رو به انحطاط خواهند رفت. در این میان باید بگوییم اگر یک گونه رقابتی از راه برسد که خود را با محیط جدید بهتر وفق داده باشد، شما شکست می‌خورید. در سال‌های اخیر، درباره اینکه آیا آژانس‌های حفاظت محیط‌زیست می‌توانند به کانون‌های بحران تنوع زیستی یا نواحی غنی از نظر گونه‌های گیاهی و حیوانی خاص توجه نمایند یا خیر، بحث‌های زیادی شده است. شما به فراسوی این می‌روید و حفاظت محیط‌زیست را به عرصه انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌برید.

بدون کوچک‌ترین انتقادی باید بگوییم که آژانس‌های حفاظت محیط‌زیست بیشتر تلاش کرده‌اند تا در مورد آنچه که برای تنوع زیستی در حال وقوع است، به جای رفع علت‌های وقوع، به علاج واقعه بپردازند؛ زیرا مقابله با علت‌های اصلی بسیار دشوار است. تنها راهبرد عملی حفاظت محیط‌زیست در برابر تغییرات آب و هوا این است که افراد علاقه‌مند، سیاستمداران را شدیداً تحت فشار قرار دهند، به طوری که در نهایت به جای روبه‌رو شدن با بدترین آنها، با یکی از کم‌ضررترین سناریوهای آب و هوا مواجه شویم.

قورباغه طلایی در مونت وردی (Monte verde) در کاستاریکا یک مثال کامل است. در اینجا گونه‌ای وجود داشت که بالای یک کوه، در ناحیه کاملاً حفاظت شده ای زندگی می‌کرد. بعد از خشکسالی اخیر و بالا رفتن سطح ابرها، آخرین بازمانده‌های این قورباغه‌ها ناپدید شدند. فکر می‌کنم این کانون‌های بحرانی تنوع زیستی باید به دو دلیل در خطر انقراض باشند. اول اینکه، در این مناطق جمعیت زیادی از یک گونه خاص در فضایی نسبتاً کوچک جا داده شده‌اند و اگر بخواهیم آنها را جابه‌جا کنیم، احتمال اینکه انواع آبی این گونه، شبیه گونه اولیه باشد ضعیف است.

دوم اینکه، به خاطر داشته باشید که در ده هزار سال گذشته، ما در مرحله گرم عصر یخبندان بودیم. در واقع ما در حال تجربه یکی از گرم‌ترین زمان‌ها در یک میلیون سال گذشته هستیم. حالا می‌بینیم که تعداد زیادی از گونه‌ها در این کانون‌های بحرانی زندگی می‌کنند. اگر چه ممکن است بعضی از همکارانم موافق نباشند، اما فکر می‌کنم بسیاری از این گونه‌ها و محیط‌ها ظاهراً در زمان سرد شدن هوا، گسترده‌تر شدند. گیاهان و حیوانات توانستند، با تجمع در محیط‌های کوچک خاص، مقاومت کنند و باقی بمانند. اگر دمای هوا را بسیار سریع به یکی از گرم‌ترین زمان‌ها در طول یک میلیون سال گذشته برسانیم، چه اتفاقی خواهد افتاد. یک منطقه کوهستانی کوچک استوایی مثل مونت‌وردی را با گونه‌هایی که فقط نزدیک قله پیدا می‌شوند، مجسم کنید. پانزده هزار سال قبل آنها بسیار پایین‌تر زندگی می‌کردند و اگر هوا به میزان زیادی گرم‌تر شود، ممکن است مجبور شوند بالاتر بروند. جای دیگری برای رفتن باقی نمانده است.

شما پیش‌بینی می‌کنید که تمام اجتماعات زیستی ناپدید می‌شوند. آیا قبلاً ما شاهد این پدیده بوده‌ایم؟

نه در یک سطح جهانی و نه در تاریخ معاصر. در حال حاضر ما باعث وقوع انقراض عظیمی هستیم. آیا این مهم است؟ از دیدگاه علمی، ما می‌دانیم که در گذشته میلیون‌ها سال طول کشیده است تا تنوع زیستی پس از انقراض‌های عظیم، دوباره به دست آید. هر کس که به محیط‌زیست علاقه‌مند باشد، مطمئناً نگران این مسئله می‌شود. اما نباید تصور شود که تغییرات آب و هوا فقط بر تنوع زیستی تأثیر می‌گذارد. طبق برآورد، تابستان گذشته در فرانسه، بیش از پانزده هزار نفر به دلیل موج گرما جان خود را از دست دادند. در نیمه دوم همین قرن، ما می‌توانیم از صدها میلیون انسان صحت کنیم که به دلیل سیل در نواحی دلتایی در سراسر جهان بی‌جا و مکان شدند.

ظاهراً آنچه را که برای تنوع زیستی خوب باشد، حداقل در درازمدت برای انسان نیز خوب خواهد بود. بحث معمول بعضی از اقتصاددانان این است که «ما استطاعت آن را نداریم که تمامی فناوری‌هایمان را عوض کنیم و رشد اقتصاد متکی بر کربن را به تعویق اندازیم، بریتانیا، پروتکل کیوتو را امضا کرد، اگرچه این یک گام بسیار کوچک و ابتدایی است، اما این کشور یکی از بهترین بازیکنان بین‌المللی در این زمینه بوده است. به نقل از سر دیوید کینگ، مشاور اول بریتانیا در زمینه علوم، بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ انتشار گازهای گلخانه‌ای انگلستان ۱۲ درصد کاهش پیدا کرد، در حالی که اقتصاد ۳۰ درصد رشد داشت و استخدام، زیر ۵ درصد افزایش یافت. به خاطر داشته باشید که انگلستان در رقابت با اقتصادهایی بود که از تدابیر نظارتی کمتری برخوردار بودند. هیچ راه دیگری، حداقل در درازمدت وجود ندارد.»

اثرات گلخانه‌ای

براساس مطالعاتی که توسط کریس توماس، پروفیسور زیست‌شناس محیط‌زیست دانشگاه لیدز انجام شده است، انتظار می‌رود تغییرات آب و هوا، یک‌چهارم حیوانات و گیاهان روی زمین را به نابودی بکشاند و همچنین امکان دارد بیش از یک میلیون از گونه‌ها ناپدید شوند. توماس و گروهش، که برای بررسی این مشکل، بزرگ‌ترین گروه جهانی متخصصان را تشکیل دادند، شش منطقه غنی از نظر تنوع زیستی در سراسر جهان را که ۲۰ درصد از نواحی زمینی این سیاره است مورد توجه قرار دادند. آنها بررسی خود را با این سؤال شروع کردند که چگونه سه سناریوی متفاوت بین دولتی در مورد تغییرات آب و هوا قادرند که زیست‌گاه‌های ۱۱۰۳ گونه از گیاهان، پستانداران، پرندگان، خزندگان، قورباغه‌ها، پروانه‌ها و سایر بی‌مهرگان را تغییر دهند. آنها سپس توانایی هر گونه را برای سازگاری یا کوچ به یک ناحیه مناسب‌تر ارزیابی کردند. براساس میانگین این پیش‌بینی، ۱۵ تا ۳۷ درصد از گونه‌های مورد مطالعه منقرض می‌شوند و اگر چنانچه حد بالا را در نظر بگیریم، ۵۸ درصد از آنها ناپدید خواهند شد. براساس بهترین سناریو از سه سناریوی مذکور، ما حداقل ۹ درصد از گونه‌ها را از دست خواهیم داد.

کورسوهای امید در بم

در ساعت پنج صبح بیست و ششم دسامبر ۲۰۰۳، زمین به مدت دوازده ثانیه با خشونت هولناکی در منطقه جنوب شرقی ایران با فاصله ۱۲۰۰ کیلومتر از تهران، لرزید. این زمین‌لرزه که به بزرگی ۶/۳ در مقیاس ریشتر ثبت گردید، جان بیش از چهل هزار نفر را گرفت و بیش از هفتاد و پنج هزار بی‌خانمان باقی گذاشت. ارگ بم، بزرگ‌ترین قلعه ساخته شده از خشت خام در جهان و مرکز این زمین‌لرزه، اکنون تلی از خاک و آوار است. آنهایی که در روزهای بعد از این فاجعه در بم بوده‌اند، می‌گویند: «میزان این ویرانی به اندازه‌ای بود که توصیف آن در مورد شهری که تبدیل به کوهی از خاک شده کار مشکلی است». با این همه، امکان ترمیم این میراث با ارزش ایران، در بحبوحه تأمین ضروری‌ترین نیازهای بازماندگان شکل گرفت.

ارگ بم که در داخل شهر قدیمی بم و در مجاورت شهر جدیدی با همین نام قرار داشت، دارای ۳۰۰ متر طول و ۲۰۰ متر عرض بود. این قلعه حدود ۲۰۰۰ سال قبل ساخته شد و همراه پرسپولیس، یادگار معماری ایران قبل از اسلام، نمونه بارزی از ساخت شهری در ایران باستان به شمار می‌رفت. قسمت عمده ای از این بنای باشکوه، که در سال‌های گذشته پذیرای صد هزار بازدیدکننده بود، در چند ثانیه ویران شد. بدین ترتیب، علاوه بر تاریخ مشهور ارگ بم، یک منبع درآمد بسیار مهم برای ساکنان آن شهر نیز از بین رفت. تا قبل از وقوع زلزله، این قلعه از جاذبه گردشگری مهمی برخوردار بود که درآمد قابل توجهی را برای کل منطقه ایجاد می‌کرد.

با وجود این، ناامیدی به طور کامل بر این شهر غلبه نکرده است. این قلعه دارای پیشینه‌ای عالی است که بسیاری از مشخصه‌های آن را به صورت تفصیلی ثبت کرده‌اند. به علاوه، متخصصان فنی زیادی وجود دارند که حاضرند کمک کنند، زیرا ایران دارای استادان ماهر فراوانی است. در طول سی سال گذشته انجمن ملی بناهای تاریخی ایران، روی این قلعه کار بازسازی را انجام دادند که در فهرست اماکن تاریخی حفاظت شده آن قید گردیده است.

هیوبرت گیلا، معمار و مشاور یونسکو و متخصص ساختمان‌های گلی می‌گوید: «همیشه در چنین مواردی احتیاط تنها روش کار ممکن است، اما این نیز صحت دارد که ما پیشینه‌های بسیار دقیقی را در دست داریم که بیان‌کننده سی و دو سال کار - قبل از زمان تخریب - روی این بنا هستند. در میان این اسناد، مطالب منسجم، جالب و بسیار باارزشی وجود دارد که از آنها می‌توان برای بازسازی احتمالی استفاده کرد». به علاوه، از میان آن بیست و چهار بنای تاریخی‌ای که خارج از ارگ بم قرار گرفته‌اند، نیمی را می‌توان بازسازی کرد، زیرا آسیبی جزئی دیده‌اند. این عوامل، زیربنای برنامه بازسازی‌ای را تشکیل می‌دهند که توسط یونسکو و مقامات ایرانی در پی اولین اعزام هیئت تخصصی به بم در فوریه گذشته، تهیه گردید.

اولین مرحله، مستحکم کردن بناهایی است که هنوز سرپا هستند، تا از تخریب آنها جلوگیری شود. سپس باید داده‌ها گردآوری شوند و تمام اطلاعات مربوط به ارگ بم مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه برای بازسازی آماده گردد.

قرار دادن ارگ بم به طور هم‌زمان در فهرست‌های میراث جهانی و میراث جهانی در خطر، انگیزه لازم را برای این برنامه‌ها - به شیوه‌ای مشابه با آنچه که در خصوص مناره و بقایای بنای باستانی جم، در افغانستان در ۲۰۰۲ شکل گرفت - ایجاد می‌کند. کوئیچیرو ماتسورا، مدیرکل یونسکو اعلام کرد: «با توجه به تمایل دولت ایران به افزودن بم به فهرست میراث جهانی یونسکو، ما در زمینه‌سازی برای نامزدی، که قبل از اجلاس کمیته میراث جهانی در ماه ژوئن آینده برگزار می‌شود، کمک خواهیم کرد».

ماتسورا اضافه می‌کند: «مسئله بازسازی آثار باستانی‌ای که دچار ویرانی شدید شده‌اند، سال‌ها طول می‌کشد و از جانب جامعه بین‌المللی، به همبستگی و پشتیبانی نیاز دارد».

لوسیا ایگلیاس کونتز

توقفی در راه

بم همچنین به عنوان توقفگاهی در جاده افسانه‌ای ابریشم، قدمتی دیرینه دارد. تجارت موفق در طول جاده ابریشم و موقعیت راهبردی بم در نزدیکی مرز پاکستان، این شهر را بسیار ثروتمند کرده بود که وفور بناهای استثنایی آن حاکی از این امر است. قسمت اعظم شهر قدیمی بم، قبل از وقوع زلزله به دوره‌های اولیه بازسازی سلسله صفوی؛ یعنی در فاصله زمانی بین ۱۵۰۲ تا ۱۷۲۲ برمی‌گردد. سه دیوار محافظتی دور این قلعه حلقه زده شده بود که مسجدها، عمارت‌ها، بازار، کاروانسرا (مهمانسرای تجار) و یک منطقه مسکونی را در خود جای می‌داد، بیشتر جمعیت این شهر در آنجا زندگی می‌کردند. یک پادگان، به همراه کاخ چهار فصل و منزل حاکم در مرتفع‌ترین قسمت این استحکامات قرار داشت. این قلعه برای اولین بار در ۱۷۲۲ در پی حمله افغان‌ها از سکنه خالی شد و دوباره در ۱۸۱۰، زمانی که مورد حمله نیروهای مسلح شیراز قرار گرفت، برای بار دوم تخلیه گردید.

دانشمند حواس پنج گانه

کریستین پتی، برندهٔ جایزهٔ اورنال یونسکو در ۲۰۰۴ برای زنان در زمینهٔ علوم، دربارهٔ تأثیر تحقیقاتش بر جامعهٔ ناشنوایان و سرایشی دشوار اصلاح نژاد بحث می‌کند.

■ پیام جدید یونسکو: پس از کشف ژن‌های عامل ناشنوایی، درک شما از ناشنوایی چگونه تغییر کرد؟
کریستین پتی: من دیگر تنها به ناشنوایی فکر نمی‌کنم، بلکه ناشنوایی را متشکل از شرایط مختلف و پیامدهای متفاوت می‌دانم. کودکی که ناشنوا به دنیا آمده است مسلماً با مشکلات بسیاری مواجه می‌شود؛ اما در سایهٔ حمایت و رسیدگی صحیح، می‌تواند زندگی شاد و پربراری داشته باشد. در عین حال، برای فرد بزرگسالی که زندگی‌اش را برپایهٔ ارتباط شفاهی بنا کرده است، رنج و اضطراب ناشی از دست دادن شنوایی آن قدر جدی است که او را به انزوا می‌کشاند.

■ انستیتو پاستور، موافقتنامه‌ای را امضا کرده و طی آن به یک شرکت اجازه داده است که تحقیق شما برای معاینهٔ نوزادان از نظر ناشنوایی ارثی استفاده کند. آزمایش مشابهی را می‌توان قبل از تولد و یا پیش از زایمان انجام داد. آیا ما در حال پایین رفتن از سرایشی دشوار اصلاح نژاد هستیم؟ در سال ۱۹۹۲، هنگامی که من این تحقیق را شروع کردم، فکر می‌کردم که ما از این مشکل در امان هستیم. ظاهراً صد ژن به ناشنوایی مربوط می‌شدند و در نتیجه امکان انجام سریع یک آزمایش تشخیصی کم بود. بنابراین، هیچ‌گاه شوکی را که در ۱۹۹۷ بر اثر این تشخیص که فقط یک ژن، عامل تقریباً نیمی از موارد ناشنوایی در کودکی است، به ما وارد شد را فراموش نمی‌کنم. نکتهٔ مهم‌تر این است که ۷۰ درصد از مشکلات مربوط به این ژن، به وسیلهٔ یک تغییر شکل ساده ایجاد شده بود. این، یک ژن کوچک و در نتیجه ساده‌ای برای آزمایش است. از نظر فنی این امکان وجود دارد که بتوان قبل از تولد این آزمایش را انجام داد. بنابراین، من بلافاصله نظر کمیتهٔ ملی تهذیب اخلاق فرانسه را پرسیدم، از نظر آنها ناشنوایی به تنهایی منزلت بشر را تهدید نمی‌کند، بنابراین سقط جنین را توجیه نمی‌نماید.

■ شما دربارهٔ معاینهٔ جنین از نظر ناشنوایی چه نظری دارید؟ در جولای ۲۰۰۳ گزارش شد زوجی که حامل ژن عامل ناشنوایی بودند، جنین خود را که در آزمایشگاه بارور شده بود، در یک کلینیک باروری در استرالیا مورد معاینه قرار دادند. ظاهراً این اولین بار بود که کلینیکی در جهان، جنین را برای یک وضعیت غیرخطرناک تحت آزمایش قرار می‌داد.

ما با یک مشاور ژنتیک کار کرده‌ایم تا به خانواده‌های ناشنوا کمک کند که بتوانند با ابزار تشخیصی‌ای که ما احتمالاً ابداع می‌کنیم آشنا شوند. این مشاور، یک پزشک متخصص اطفال می‌باشد که در تماس نزدیک با افراد دارای مشکل شنوایی، بزرگ شده است و به ناشنوایی به عنوان نوعی معلولیت نگاه نمی‌کند. در این مرحله، فقط چهار خانواده تقاضای معاینهٔ قبل از تولد کرده بودند، اما آنها در معرض خطر انتقال بیماری‌های خطرناک به جنین نیز قرار داشتند. مشکل اصلی، در معاینهٔ جنین‌های بارور شده در آزمایشگاه است؛ زیرا این بدان معنی است که ما به سوی انتخاب جنین و حمایت از اندیشهٔ طراح نوزادان در حرکت هستیم.

■ جامعهٔ ناشنوایان نسبت به تحقیق شما چه عکس‌العملی نشان دادند؟
در آغاز، به من اخطار داده می‌شد که جامعهٔ ناشنوایان از ترس اینکه تحقیق ما منجر به اصلاح نژادی و ریشه‌کن کردن ناشنوایی شود - بعضی‌ها آن را یک فرهنگ می‌دانند - سد راه ما خواهند شد، ولی ما هیچ وقت با چنین عکس‌العملی رو به‌رو نشدیم؛ زیرا روش‌ها و اهدافمان را به روشنی بیان می‌کردیم. برعکس، من فکر می‌کنم افرادی که با ناشنوایی رو به‌رو هستند، کار ما را با امید فراوان دنبال می‌کنند.

■ برخی معتقدند ناشنوایی بیشتر یک روش زندگی است تا نوعی معلولیت، نظر شما چیست؟
اغلب جوانانی که به طور مادرزاد ناشنوا هستند، جوامعی را براساس یک زبان مشترک که همان زبان اشاره باشد تشکیل داده‌اند، عده‌ای تحت نام این زبان خواهان تأیید یک فرهنگ متمایز هستند. من فکر می‌کنم این تقاضا تا حد زیادی از پیشینهٔ ناشنوایان و سوءاستفاده‌های افراد شنوا ناشی می‌شود. به خاطر بیاورید در زمانی نه چندان دور، زبان اشاره ممنوع شده بود و در طول جنگ جهانی دوم، عقیم‌سازی به طور اجباری صورت می‌گرفت؛ سپس ابزارهای کمک شنوایی مثل استفاده از سمعک امید نا بجایی را به وجود آورد - چون به افراد ناشنوا گفته می‌شد، که مشکلات شما حل شده‌اند - که این شیوه‌ها در آغاز بسیار ابتدایی بودند و وعده‌ها را عملی نمی‌کردند.

■ آیا شما در برابر جامعهٔ ناشنوایان احساس مسئولیت می‌کنید؟
بله، تصور من بر این است که باید افراد را از کشفیات خویش آگاه کنیم و هر کاری را که ممکن باشد، انجام دهیم تا خلاء موجود میان معاینهٔ ناشنوایی و معالجهٔ آن برداشته شود. برای تحقق این امر، نیاز به انجام تحقیق اساسی روی مکانیسم مولکولی عملکرد گوش داخلی داریم.

■ کسانی هستند که از به رسمیت شناخته شدن زنان دانشمند و جایزه‌هایی نظیر جایزهٔ اورنال یونسکو استقبال نمی‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟

اگر جایزه‌های علوم زنان مثل جایزه‌های ورزشی امری عادی و همه‌گیر بود، آنگاه این جایزه صرفاً بین عملکرد علمی مردان و زنان تمایز ایجاد می‌کرد. مسلماً درک من از جایزهٔ اورنال یونسکو این نیست. برعکس، من معتقدم این یک فکر بسیار جالب است؛ زیرا آن را به یک زن از هر قاره تخصیص داده‌اند.

این جایزه، پیام جهانی پیشرفت زنان را در خود دارد که نشان‌دهنده پیشرفت، نه صرفاً از طریق دستیابی به دانش، بلکه از طریق آفرینش دانش در بالاترین سطح به دست آمده است. این پیام، به وسیله بورس‌های تحقیقاتی اعطا شده به زنان جوان محقق، مداومت می‌یابد.

■ نظر شما درباره تبعیض مثبت، مثل نظام سهمیه‌بندی برای برداشتن سدهایی که زنان در علوم با آنها مواجه هستند، چیست؟
با پی بردن به این نکته که چگونه ساختارهای سازمانی و قوانین بر زنان تأثیر می‌گذارند، دیگر نیازی به تبعیض مثبت نداریم. مثلاً در فرانسه برای پیدا کردن یک کار علمی، شما باید تا قبل از چهل سالگی، سرپرستی گروهی از محققان را برعهده داشته باشید و این همان دورانی است که بیشتر زنان باید به فرزندان جوانشان رسیدگی کنند. با کمی انعطاف‌پذیری در این نظام، می‌توان به زنانی که سعی دارند بین زندگی خانوادگی و حرفه خود توازن ایجاد کنند، جواب رد نداد. لازم است ما در هنگام اعطای ترفیع‌های شغلی نیز برای تشخیص تفاوت‌ها بین مردان و زنان و تحلیل دلایل نهفته در آن، همان توجه را داشته باشیم.

■ شما با چه نوع سدهایی مواجه شده‌اید؟

سال‌ها قبل، وقتی که به سرپرست تحقیق خود گفتم باردار هستم، با جواب خشنی رو به‌رو شدم. امروز کسی جرئت نمی‌کند این‌طور پاسخ دهد. با وجود این، ما باید هوشیار باشیم. ما هنوز راه زیادی را در پیش داریم که باید طی کنیم. مردان و زنان هنوز در آغاز مشارکت در بالاترین سطح مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیریها هستند. ما پیشرفت کرده‌ایم، اما این پیشرفت تغییرپذیر است. چه کسی می‌داند که در آینده به عقب نخواهیم لغزید. در عین حال، من فکر می‌کنم هر زنی آسیب‌ها و تحقیرهایی را که زنان در بعضی از کشورها تحمل کرده‌اند، حس می‌کند.

■ به عقیده بعضی‌ها، با حضور تعداد بیشتری از زنان در حوزه علوم، ممکن است اولویت‌های پژوهشی تغییر کنند. نظر شما در این مورد چیست؟ چه کسی می‌داند؟ آیا تحقیق در زمینه علوم نظامی می‌تواند یک اولویت باشد؟ آیا چیزی تحت عنوان تحقیق مردانه یا زنانه وجود دارد؟ مسلماً مغز نیز مثل هر عضو دیگری تفاوت جنسیتی دارد، اما این یک «حقیقت علمی» نیست. ظاهراً تفاوت‌های جسمی و ادراکات فرهنگی از جهان منجر به این می‌شود که مردان و زنان سؤال‌ها و روش‌های علمی متفاوتی داشته باشند.
در هر حالت، من دنیایی را مجسم می‌کنم که با خلاقیت مردانه و زنانه شکل گرفته است. در این دنیا این تفاوت‌ها نه تنها مورد احترام هستند، بلکه مکمل یکدیگرند و به‌طور دوجانبه سودمندند.

هیچ چیز جز اندکی همکاری

کریستین پتی فرانسوی که به خاطر تحقیقاتش روی حواس پنجگانه مشهور است، دریافت که یک ژن، عامل بیش از نیمی از تمامی موارد ناشنوایی مادرزادی است. او همچنین ژن عامل بیماری کالمان (kallman) - تنها بیماری ارثی‌ای که موجب از بین رفتن کامل حس بویایی می‌شود - را شناسایی کرد. پروفیسور پتی، رئیس واحد نارسایی‌های حسی ژنتیک در انستیتو پاستور است. او در ۲۰۰۲ عضو آکادمی علوم فرانسه شد و جزو پنجمین زنی بود که در کالج دوفرانس، پروفیسور نامیده شد.

جایزه «برای زنان در علوم»

کریستین پتی یکی از پنج نفر برنده جایزه اورئال یونسکو برای زنان در علوم است. هر یک از برندگان که توسط هیئت پانزده نفری از اعضای برجسته جامعه علمی انتخاب شده و متعلق به یک منطقه جغرافیایی متفاوت اند، به دلیل فعالیت‌های پژوهشی چشمگیرشان و داشتن پشتکار برای پیشبرد فعالیت‌های زنان در علوم، به دریافت جایزه صد هزار دلاری نایل شدند: پروفیسور پتی به همراه جنیفر تامسون (آفریقای جنوبی)؛ برای رویش گیاهان دارای ژن پیوندی و مقاومت آنها در برابر عفونت‌های ویروسی، خشکسالی و خطرهای دیگر؛ نانسی ایپ (چین)؛ به دلیل کشفیاتش در زمینه کنترل مولکولی رشد، تفاوت‌گذاری و شکل‌گیری سیناپس در سیستم عصبی؛ لوسیا مندون سا پرویاتو (برزیل)؛ برای تشخیص، معالجه و جلوگیری از بیماری چاگاس؛ و فیلیپا ماراک (آمریکای شمالی)؛ برای مشخص کردن نقش لنفوسیت‌های تی در ایمن‌سازی و کشف سوپر آنتی‌ژن‌ها، موفق به دریافت جایزه اورئال یونسکو برای سال ۲۰۰۴ شدند.

برنامه اورئال یونسکو برای زنان در یونسکو یک مشارکت عمومی - خصوصی منحصر به فرد است که به منظور تشخیص دستاوردهای زنان دانشمند و بالا بردن نقش زنان در زمینه علوم در سطح جهانی طراحی شده است. علاوه بر برندگان مذکور، به حدود پانزده زن جوان محقق، هر سال بورس تحقیقاتی اعطا می‌شود تا کارشان را در خارج از کشور ادامه دهند. این برنامه که در ۱۹۹۸ به وجود آمد، تا سال ۲۰۰۴ سی‌ویک جایزه و شصت بورس تحقیقاتی را در چهل و پنج کشور به زنانی که در حوزه‌های فیزیک و علوم زیستی فعالیت داشتند، اعطا کرد.



یکسان سازی در خدمت تنوع

یونسکو در تلاش است تا حضور زبان‌های مختلف را در رایانه و اینترنت به عنوان بخشی از کوشش خود برای ارتقای زبان و تنوع فرهنگی و حمایت از دسترسی یکسان به اطلاعات، افزایش دهد.

رایانه‌ها برای افرادی که می‌خواهند اطلاعات را جست‌وجو کنند، به آن دسترسی یابند و در آن سهیم شوند و یا به تجارت بپردازند، ضروری هستند؛ اما فناوری دیجیتال در آغاز، توسط افرادی طراحی شد که از الفبای لاتین استفاده می‌کردند؛ الفبایی که فقط در خدمت بخش کوچکی از جمعیت جهان با شش هزار زبان ثبت شده و پنجاه نظام نوشتاری خاص بود.

نرم‌افزارها می‌بایست طوری طراحی می‌شدند که نه تنها خط‌های از چپ به راست (مثل زبان‌های اروپایی)، بلکه خط‌های از راست به چپ (مثل زبان‌های سامی و مغولی که به صورت عمودی نوشته می‌شوند) را نیز پردازش می‌کردند، نمایش می‌دادند و ارسال و چاپ می‌کردند. برنامه‌هایی سفارشی برای پوشش دادن مشخصه‌های ویژه خط‌ها و زبان‌های مختلف، از جمله: الفبای لاتین، سیریلی، عربی یا عبری و علامت‌هایی مثل تکیه‌های رایج در زبان‌های فرانسوی و اسپانیایی طراحی شده است. به علاوه در بسیاری از زبان‌ها، حروف براساس جایگاه خود در یک کلمه - مثل زبان‌های عربی و عبری - یا در یک جمله که حروف تبدیل به حروف بزرگ می‌شوند، مثل خط‌های لاتین و سیریلی تغییر شکل می‌یابند.

یکسان سازی برای حفظ تنوع

زبان چینی با هزاران علامت یا نماد برای کلمه‌ها، اساساً با زبان‌های مبتنی بر الفبا تفاوت دارد. این علامت‌ها، برای طراحی صفحه کلید، ارائه روی صفحه نمایش، چاپ و جست‌وجو مشکل ایجاد می‌کنند. در بعضی از موارد و در تعدادی از زبان‌ها، باید چندین نظام نوشتاری به طور هم‌زمان مورد استفاده قرار گیرند که این امر بر مشکل می‌افزاید. این مشکل در مورد زبان ژاپنی نیز وجود دارد که سه نظام نوشتاری متفاوت را که متشکل از علامت‌ها، هجانگراها و حروف الفباست به کار می‌برد. اما در زبان ژاپنی مثل بسیاری از زبان‌های غیراروپایی، گهگاه از خط لاتین نیز استفاده می‌شود که در این صورت این خط باید توسط نرم‌افزاری که به همین منظور تهیه شده است به همراه خط اصلی مورد استفاده، در رایانه نصب شود. سازمان بین‌المللی یکسان سازی (آی‌اس‌ا) و کنسرسیوم رمز واحد جدولی که همیشه امکان اعمال تغییرات در آن وجود دارد، رمزهای رایانه‌ای و قابل انطباق با کلیه حروف، علامت‌ها و نمادهای مورد استفاده در خطوط شناخته شده‌ای را که به کارکترها، شناسایی علامت‌ها و استفاده از آنها مربوط می‌شود، طراحی کرده است. یونسکو در کار یکسان سازی از طریق مرکز اطلاعات بین‌المللی واژگان، اینفوترم، مستقر در وین که در ۱۹۷۱ تأسیس شد، مشارکت کرده است.

اینترنت با در نظر داشتن تنوع، از طریق به کار بردن زبان‌ها و خط‌های مختلف در ارتباطات دیجیتال با مجموعه‌ای از مشکلات خاص خود مواجه شده است. گسترش اینترنت نیز نیاز به یکسان سازی را افزایش داده است تا اطمینان حاصل شود که راه‌حل‌های اتخاذ شده توسط سیستم‌های عامل مختلف، سازگار هستند و متون ارسال شده از یک رایانه به رایانه دیگر قابل خواندن می‌باشند. از علت‌های دیگر ضرورت یکسان سازی این است که موتورهای جست‌وجوگری مثل گوگل، سؤالاتی را که به خط‌های مختلف نوشته شده‌اند، بشناسند. برای تسهیل در امر شناسایی، برچسب‌های زبانی یکسان شده‌ای مورد توافق قرار گرفته و در صفحه‌های وب جای داده شده‌اند، تا به جست‌وجوگر بگویند که از کدام مجموعه حروف یا علامت‌ها استفاده کند، اما چنین برچسب‌هایی برای تمام زبان‌ها در دسترس نیستند.

نظام بین‌المللی یکسان سازی رمز واحد، در محدوده خط‌های موجود، اخیراً حروف و علامت‌های حدود پنجاه خط را تحت پوشش قرار داده است که حداقل از ۲۴۴ زبان پشتیبانی می‌کند. در حال حاضر، این نظام بیش از صد هزار رمز منحصر به فرد را برای حروف و علامت‌ها فراهم کرده است. این نوع یکسان سازی برای تبادل اطلاعات بین رایانه‌ها به‌ویژه در فضای اینترنت ضروری است.

پال هکتور از انستیتو بابل یونسکو، که وظیفه آن حفاظت از زبان‌های مورد تهدید و ترویج چندزبانگی است، می‌گوید: «رمز واحد، توسط بیشتر سیستم‌های عامل، مثل مایکروسافت ویندوز، اپل آ‌اس، و لیناکس که امکان استفاده از خط‌های عمده غیرلاتین را فراهم می‌سازند، پشتیبانی می‌شود ولی ممکن است تمام علامت‌های یک نظام نوشتاری و الگوهای بومی آن را پوشش ندهد».

انعطاف پذیری نرم‌افزار

یونسکو همچنین یک نرم‌افزار کاربردی اطلاعات و بازبایی، CDS/ISIS را تهیه کرده است که می‌تواند زبان‌ها و نظام‌های نوشتاری مختلفی را - که به صورت رایگان در دسترس است - به کار ببرد. یونسکو کاربرد نرم‌افزارهای قابل دسترس و نیز رایگان مثل لیناکس را گسترش می‌دهد. این سازمان در ایجاد توان استفاده از زبان برمه‌ای و چند زبان آفریقایی دیگر برای جست‌وجوگر اینترنتی موزیلا- یک نرم‌افزار مستقل که دسترسی به آن رایگان است - مشارکت داشته است.

نرم‌افزارهای قابل دسترس و سیستم‌های عامل بسیار راحت‌تر می‌توانند با طیفی از خط‌ها و زبان‌ها سازگاری پیدا کنند. دیوید استورتی از انستیتو بابل می‌گوید: «از طرف دیگر، سیستم‌های تجاری عموماً در جایی دیده می‌شوند که در آنجا انگیزه تجاری وجود داشته باشد، بنابراین برنامه‌های نرم‌افزاری و صفحه‌های وب بیشتری به زبان ایسلندی، زبانی که فقط ربع میلیون از افراد به آن صحبت می‌کنند، وجود دارد تا برای هجده میلیون گویشور هوسایی (Hausa) در نیجریه».

به عقیده پال هکتور، از میان برداشتن تمام موانعی که از ورود بعضی زبان‌ها به عصر دیجیتال جلوگیری کرده‌اند، نیازمند زمان است، اما قبول مسئولیت دولت‌ها و رشد آگاهی در میان تولیدکنندگان نرم‌افزارهای تجاری و غیرتجاری دلگرم‌کننده است. به علاوه، او اشاره می‌کند که حدود بیست درصد از زبان‌های جهان، صورت نوشتاری ندارند ولی قابلیت‌های چندرسانه‌ای امروزی رایانه‌ها فرصت‌های جدیدی را برای ورود آنها به فضا رایانه ارائه می‌کند و تلاش‌هایی نیز برای ایجاد نظام‌های نوشتاری یکسان سازی (استاندارد) شده، برای بسیاری از این زبان‌های شفاهی سنتی آغاز شده است.

رونی آملان

تنوع در فضا رایانه

توصیه یونسکو در مورد ارتقا و کاربرد چندزبانگی و دسترسی جهانی به فضا رایانه - یک وسیله یکسان سازی برای بالا بردن میزان کاربرد زبان های مختلف در اینترنت - توسط نمایندگان دولت ها در اواخر ۲۰۰۳ تصویب شد و به اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در دسامبر ۲۰۰۳ ابلاغ گردید. انستیتو بابل، به منظور تسهیل اجرای اصل مصوب در این توصیه نامه، مشغول به کار بوده است. مثلاً قبل از اجرای طرح چندمیلیونی رایانه ای کردن، که توسط بانک جهانی در ۲۰۰۳ برای اتیوپی و اریتره سازمان دهی شده بود، یک بررسی در زمینه توسعه و رواج استانداردهای اتیوپیایی و بومی کردن نرم افزار برای اتیوپی ترتیب داده شد. یونسکو روی شیوه هایی تحقیق می کند که به وسیله آنها، رایانه ها بتوانند از خط قدیمی اتیوپی که در امهری - زبان رسمی دولت فدرال اتیوپی و تیگرینیا زبان رسمی اریتره - به کار می رود و در عین حال از خط زبان های شمال اتیوپی و بسیاری از زبان های کاشیتیک این منطقه استفاده کنند. این بررسی موضوع های رمزگذاری حروف الفبا، طرح صفحه کلید و حرف نگاری زبان امهری به الفبای لاتین را در برمی گیرد.

رهنمودهایی برای پشتیبانی از نظام نوشتاری

در اواخر ۲۰۰۳، یونسکو «رهنمودهایی را برای پشتیبانی از نظام نوشتاری» منتشر کرد و هدفش کمک کردن به برنامه ریزی و مدیریت طرح هایی بود که در پی حل مشکل به کار بردن خط های غیر لاتین برای ایجاد ارتباط در محیط دیجیتال بودند. این رهنمودها چارچوبی را برای گسترش اجزای نرم افزارهای رایانه ای به دست می دادند که زبان های گوناگون جهان را پشتیبانی نمایند. این در وهله اول برای سیاست گذاران و متخصصان نوشته شده بود، اما شامل مواد فنی مقدماتی نیز می شد.



شهرهای ساحلی کوچک: تاریخی و پیشگام

همه در خدمت توسعه پایدار هستند، اما این امر چگونه با برنامه‌ریزی شهری منعکس می‌شود؟ پنج شهر تاریخی کوچک ساحلی در اطراف مدیترانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

عیسائوریا، در منطقه ساحلی اقیانوس اطلس در مراکش، شهری در معرض باد و بندری با زیبایی خارق‌العاده است. طی چند دهه، این مکان شگفت‌انگیز و زندگی فرهنگی پرشورش، هنرمندان و گردشگران مراکشی و همچنین افراد خارجی زیادی را به خود جلب کرده است. ولی انبوهی از مشکلات مانند: فرسایش ساحلی، نفوذ آب شور در سفره‌های آب زیرزمینی، کاهش منابع طبیعی، کثرت جمعیت، دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، ویرانی بناها و ویژگی‌های بی‌نظیر ماگادور (ماگادور، نام قدیمی عیسا اوریا است) را در معرض خطر تخریب قرار داده‌اند. عیسا اوریا از جمله استحکامات مشهوری است که ارسون ولز برای تهیه فیلمش «تاللو» از آنها فیلمبرداری کرد.

امروز، اراده جمعی مقامات شهری و ایالتی، انجمن‌های محلی و تعدادی از مشارکت‌کننده‌های خارجی بر این است که این روند را تغییر دهند. هنگامی که عیسائوریا در ۱۹۹۷ به عنوان اولین شهر از شبکه شهرهای تاریخی ساحلی برای مطالعه موردی که توسط یونسکو آغاز شده بود، در نظر گرفته شد، آنها توانستند تلاش‌هایشان را تلفیق کنند. بر این مبنا، استحکامات و بناهای تاریخی را بازسازی کردند، فضاهای تفریحی عمومی طراحی شدند و بازسازی تأسیسات بهداشتی و انهدام زباله نیز آغاز شد.

در این راستا، ساخت تصفیه‌خانه فاضلاب و یک جایگاه تخلیه زباله نیز برنامه‌ریزی گردید. رشید سیدی بوم‌الدین، جغرافیدان الجزایری به عنوان ارزیاب این طرح، خاطرنشان کرده است که هنوز کارهای زیادی باقی مانده است که باید انجام شود. او به نتایج تلفیقی در عیسائوریا اشاره می‌کند؛ مثلاً در این شهر گردشگری از طریق افزایش معاملات املاک به طور قابل توجهی رونق گرفته است، اما این تغییر و تحول اقتصادی، تأثیرات جانبی زیادی را هم - مانند بیرون راندن فقیرترین ساکنان به سوی محدوده‌های خارج از شهر و مناطق حاشیه‌ای - به دنبال داشته است. به علاوه، محله ملاح، در نزدیکی دیوار «همچنان در مرحله ویرانی است، در حالی که شهر عیسائوریا (از ۲۰۰۱) به فهرست میراث جهانی افزوده شده است».

با این وجود، یک روش عملیاتی اتخاذ شده است که همه طرف‌های درگیر و علاقه‌مند می‌توانند در آن مشارکت داشته باشند. این روش، یک بسیج عمومی به وجود آورده است. این روش جامع، مبتنی بر تشخیص ویژگی طرح «توسعه شهری و منابع آب شیرین: شهرهای تاریخی ساحلی کوچک» که در ۱۹۹۴ توسط یونسکو آغاز شد، است و هدف آن در وهله اول کمک به این شهرها برای اتخاذ خط‌مشی‌هایی برای برنامه‌ریزی شهری است به طوری که تکمیل‌کننده چهار رکن توسعه پایدار؛ یعنی ارکان محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مشارکتی باشند.

این طرح، در چهار شهر مدیترانه‌ای دیگر که مشکلاتی نظیر عیسائوریا دارند، مانند: مهدیه (تونس)، اومیشالی (کرواسی)، صیدا (لبنان) و جبله (سوریه) تحت مطالعه و بررسی است. تمام دست‌اندرکاران این طرح شامل: معماران، برنامه‌ریزان شهری، زمین‌شناسان، زمین‌آب‌شناسان، شهردارها و متخصصان یونسکو، در اولین ارزشیابی طرح مذکور که در دسامبر ۲۰۰۳ در عیسائوریا انجام شد، شرکت کردند. آنچه که این پنج شهر بندری را مستثنا می‌کند، تاریخ طولانی و غنی آنهاست که در مورد صیدا و مهدیه به قبل از تاریخ می‌رسد، اینها پایتخت‌های سلطنتی نیز بودند، اومیشالی زمانی از مراکز مذهبی مهم بوده است. این شهرها در مکان‌هایی به وجود آمدند که دارای آب فراوان، منطقه امن برای ماهیگیری و نیز تجارت بودند و اطراف آنها را زمین‌های حاصلخیزی احاطه کرده بود.

با وجودی که هر کدام از این شهرها دارای هویت مشخصی هستند، اما در حال حاضر با چالش‌های مشابهی مواجه‌اند که عبارت‌اند از: چگونه یک مرکز تاریخی را بازسازی کنند و نیازهای توسعه شهری مدرن را با میراث فرهنگی متوازن سازند؟ چگونه جهانگردی را توسعه دهند و در عین حال بدون بیرون راندن ساکنان، بلکه برعکس با حمایت از مشارکت آنها در این فرآیند از محیط‌زیست محافظت کنند؟ چگونه از مزیت تربیت دانشجویان محلی در رشته‌های هنر و معماری برخوردار شوند؟ به طور خلاصه، چگونه توسعه پایدار را در مقیاس یک شهر کوچک اجرا نمایند؟

مشارکت‌های چندجانبه

این شهرها که به دنبال پیدا کردن راه‌حلی بودند، به شبکه شهرهای ساحلی تاریخی کوچک یونسکو که به آنها حق انتخاب وسیع‌تری را می‌داد، پیوستند. برای مثال اومیشالی، یک شهر کوچک که در بالای دریای آدریاتیک در جزیره کرواسیایی کرک قرار گرفته است، پیمان همکاری توسعه پایدار را با تالیو دی‌پو (ایتالیا) در ۱۹۹۷ امضا کرد. این شهر با ملحق شدن به شبکه مذکور در ۱۹۹۸، از نظر منابع آب، حفاظت طبیعت و حراست میراث فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفت. این پژوهش، کار مشترکی بین مؤسسه برنامه‌ریزی شهری و معماری و دانشکده‌های گمبلو آگرونومی و معماری زاگرب در کرواسی بود.

در این بررسی، پیشنهادهای نیز ارائه شد که با مشارکت متخصصان و دانشجویان متعدد از کرواسی و سایر کشورهای اروپایی اقدامات سریعی را میسر کرد. از سال ۲۰۰۰ تاکنون جایگاه فولیفینیوم رومی در اومیشالی، مورد حفاری‌های باستان‌شناختی قرار گرفته و کار بازسازی (عمارت) میرین باسیلیکا متعلق به دوران مسیحیت کهن آغاز، و فهرستی نیز از میراث شهری تهیه شده است. در عین حال عملیاتی آغاز شده است که همگان در آن شرکت دارند.

فیلیپ پیپارت، از متخصصان یونسکو در دفتر ونیز در مورد اومیشالی چنین می‌گوید: «یونسکو علاوه بر پاسخگویی به تقاضاهای دریافت کمک فنی، نقش سازمان‌دهنده را نیز ایفا کرده است که این نقش عبارت است از: تمرینش بودن در عین محترم شمردن فرهنگ محلی و موفقیت در بهبود توسعه مبتنی بر توانایی‌های محلی. یونسکو، این کار را از طریق تعمیم مذاکرات به عامه مردم و در نتیجه وادار کردن شهرداری به تقبل انجام کاری مشکل اما ثمربخش و تهیه یک برنامه کاری دشوار و مشخص که به خوبی طراحی شده باشد، پیش برد.»

نقطه قوت این طرح، انعطاف‌پذیری زیاد آن است. هدف این نیست که یک فرمول همه جا به کار برده شود، بلکه باید به عاملان محلی امکان یافتن راه‌حل‌های مناسب داده شود. ویژگی بارز مهدیه در تونس، حالت شهری آن است که بر شبه جزیره‌ای ساخته شده است. از ۱۹۹۹ که این شهر به شبکه مذکور متصل گردید، تصمیم بر این شد که بندرگاه تفریحی جدید آن به جای بندر فنیکی در نزدیکی سیکا (تالاب ساحلی با آب شور) ساخته شود. طراحی برنامه، حفاظت و احیای شهر آغاز شده است. تپه‌های ماسه‌ای واقع در نوار ساحلی شمالی که ردیفی از هتل آنها را بی‌ثبات کرده، اکنون با زنده‌کشی جدید مصون شده و امکان گسترش ساحل و استفاده دوباره از بلوار را به وجود آورده است. طرح‌های دیگر عبارت‌اند از: یک کارخانه تصفیه آب و فاضلاب، ایجاد تالاب‌ها و جابه‌جا کردن صنایع آلاینده. تأسیس خانه اجتماعات مهدیه از تازه‌ترین ابداعات این طرح است. در ساحل لبنان، صیدا یا همان صیدون باستانی، در ۲۰۰۱ به این شبکه متصل گردید، اولین دانشجویان فرانسوی و لبنانی در ۲۰۰۳ به این خانه اجتماعات رسیدند. اکنون بلوار کنار ساحل مثل جبله در سوریه، پیاده‌رو گردشگاه ساحلی است. صیدا که در ۲۰۰۲ مورد مطالعه قرار گرفت، در حال برنامه‌ریزی برگزاری یک کارگاه آموزشی در زمینه مدیریت شهری و توسعه منطقه‌ای است، در حالی که دانشگاه‌های سوریه اولین پژوهش‌های خانه‌سازی را آغاز کرده‌اند.

بنا به اظهارات ارزیاب طرح مذکور، این طرح در حال اجرا، روش‌شناسی خود را گسترش داده و دارایی‌هایش را سرمایه‌گذاری کرده است. او می‌گوید: «در ابتدای کار، بیشتر پژوهش‌ها را دانشگاه‌های اروپایی انجام دادند که در این مورد به طور مثال می‌توان به پژوهش‌های معماری در عیساووریا اشاره کرد، و یا اینکه در مقیاس محدودی به تحلیل و آزمایش پرداختند که در این زمینه می‌توان خانه‌تجمعات در مدینه را مثال زد». سپس آنها شرحی تهیه کردند و آنچه را که در جریان بود تفهیم نمودند، و نهایتاً اقدام به تهیه برنامه‌های کاری متعددی کردند. (مثال آن، اومیشالی است). از آن زمان در صیدا و جبله، دانشگاه‌ها با آموزش دادن مشارکت‌کنندگان محلی و با تهیه برنامه‌ای برای شرکت در آن، از این طرح حمایت کردند.

در کرواسی، پیپارت با خرسندی می‌گوید: «ما در این منطقه، با بازتاب فراوانی مواجه شدیم». برای مثال در ۲۰۰۱، هفت واحد اداری در کرک برنامه‌ای را برای مدیریت منابع آب در این جزیره امضا کردند؛ رییکا، مرکز این استان در نظر دارد دانشکده توسعه پایدار را ایجاد کند. تعداد کمیته‌های دستورالعمل ۲۱ در طول ساحل کرواسی بیشتر شده است. در عیساووریا، در اکتبر ۲۰۰۳ حرکت اعتراض‌آمیزی نسبت به ساخت یک مجموعه هتل در امتداد دیوار ساحلی صورت گرفت.

پس از گذشت شش سال از ایجاد شبکه‌های شهرهای ساحلی کوچک تاریخی، این شبکه همچنان در حال گسترش است، علاوه بر شهرهای در حال بررسی دو شهر کوتور، (مونتنگرو صربستان) و لاروشل (فرانسه) به این شبکه پیوستند. در شمال و جنوب دریای مدیترانه، شهرها، دانشگاه‌ها و انجمن‌ها پیمان‌نامه‌های چندجانبه‌ای را امضا کردند. در دسامبر ۲۰۰۳ در جلسه ارزشیابی، شرکت‌کنندگان هم‌صدا گفتند: «جازه بدهید ادامه دهیم!».

مونیک پروت - لانا



آزمایشگاه‌ها

خانه‌ای در مهدیه تونس که برای تخریب در نظر گرفته شده بود، نه تنها محافظت گردید، بلکه در ۱۹۹۹ به همت گروه آموزشی دانشکده معماری نانت در فرانسه و دانشکده معماری و شهرسازی تونس با پشتیبانی مؤسسه میراث فرهنگی تونس و مقامات شهر مهدیه، به عنوان بخشی از طرح شهرهای ساحلی کوچک تاریخی به یک آزمایشگاه تبدیل شد.

«آزمایشگاه» برای آزمایش‌های معماری و فنی و در عین حال آموزشی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد و همه در آنجا به یادگیری مشغول هستند: دانشجویان معماری و استادان آنها، استادکاران و کارگران ساختمانی و ساکنان محل. این افراد به آنجا می‌آیند تا ببینند متخصصان برای حل مشکلاتی که آنها در خانه‌هایشان دارند، چگونه برنامه‌ریزی می‌کنند.

معماران نانت* توضیح می‌دهند: «همان‌گونه که همیشه رطوبت با آجرکاری توسط پوشش ضد آب (مثل سیمان یا کاشی) رفع شده است، در هنگام نوسانات سطح آب که خانه‌ها را دائماً مرطوب می‌کند هم به همین‌گونه عمل می‌شود». این راه‌حل واقعا مشکل را حادتر می‌کند. آهک‌کاری سنتی عربی به دیوارها امکان تنفس می‌دهد، اما چرا بناهای تونس‌ای علاقه‌مند هستند که آهک تهیه کنند، در حالی که به جای آن می‌توانند به آسانی به سیمان و بتون دسترسی داشته باشند؟ راه‌حل این مشکل در معماری طبیعی است و شامل مخلوطی از آهک و الیاف کفی می‌شود که بدون اینکه سنت کنار گذاشته شود، پاسخی ابتکاری به این مشکل است.

نوعی دانشکده معماری در نزدیکی ساختمان اول بنا شده است که در آنجا دانشجویان در حال بررسی خانه‌ها و تحقیق درباره مصالح و روش ساخت و نیز جمع‌آوری نظرات ساکنان محل هستند.**
در صیدا، در ۲۰۰۳، در یک قصر عثمانی، گروهی از دانشجویان اهل بیروت و ایکس - آن - پروانس فرانسه به سرپرستی لئون تلویزین، رئیس واحد برنامه‌ریزی شهری مؤسسه هنرهای زیبای دانشگاه لبنان، یک دانشکده معماری را دایر کردند. تلویزین می‌گوید: چون این طرح از پایین به بالا پیش می‌رود، به ما امکان پرسیدن سؤال‌هایی را در مورد هماهنگی و مشارکت می‌دهد.

*http://www.unesco.org/most/csimahd_01.htm

**Une médina en transformation: travaux d'étudiants à Mahdia, Éd. Unesco, ۲۰۰۳. ۲۳۸ pages.
Fax: +۰۳۳ ۱۴۵ ۶۸ ۵۷ ۲۸
b.colin@unesco.org

پیشگامی در طرح‌های بین منطقه‌ای

طرح « توسعه شهری و منابع آب شیرین: شبکه شهرهای ساحلی تاریخی کوچک» که در ۱۹۹۶ آغاز شد، مبتنی بر اصول اعلامیه استانبول (زیست‌گاه II و ۱۹۹۶) و منشور (ICOMOS) (شورای بین‌المللی بناها و جایگاه‌های تاریخی) در مورد شهرهای تاریخی است. این طرح به همت چند برنامه یونسکو آغاز شد که عبارت‌اند از: برنامه (MOST) (مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی) همراه با شبکه متخصصان برنامه‌ریزی شهری‌اش، برنامه «مناطق ساحلی و جزیره‌های کوچک» به واحد (CSI) با مشارکت (PHI) (برنامه بین‌المللی آب‌شناسی) و مرکز ساحلی و جزیره‌های کوچک «مربوط میراث جهانی. این طرح، بخش‌های علوم، علوم انسانی، علوم اجتماعی و فرهنگ را با یکدیگر مرتبط کرده است. در حال حاضر، دفترهای منطقه‌ای یونسکو در بیروت، رباط و ونیز، بر عملیات منطقه‌ای این طرح نظارت می‌کنند.
برای اطلاعات بیشتر به نشانی زیر مراجعه شود:

Contact: b.colin@unesco.org (SHS)

a.suzyumov@unesco.org (CSI)

آفرینش عملی صلح

خشونت در مدارس به یک معضل جهانی تبدیل شده است. قبل از رسیدن جوانان به مرز انفجار، آموزش چگونگی فائق آمدن بر مشکلات باید در برنامه آموزشی مدارس گنجانده شود.

در اساسنامه یونسکو آمده است: «از آنجا که جنگ در اذهان انسان‌ها آغاز می‌شود، دفاع از صلح نیز باید در همانجا شکل گیرد»، و برای ساختن این «استحکامات دفاعی» چه جایی بهتر از مدارس و در ذهن جوانان؟ این تفکر، اساس فعالیت‌های یونسکو را در حوزه برنامه‌های آموزشی مربوط به صلح و عدم خشونت تشکیل می‌دهد؛ اما چگونه می‌توان این پیام را منتقل کرد، در حالی که مدارس به جای اینکه مکانی امن و عاری از خشونت باشند، خشونت‌زا شده‌اند.

امروزه، خشونت در مدارس در اخبار مهم بسیاری از کشورها جا باز کرده است. پدیده خشونت، در ناهنجاری‌های جوامع امروزی مثل: فقر، مهاجرت، منازعات داخلی و اشکال مختلف بی‌عدالتی‌های اجتماعی ریشه دارد. به نظر آنتونلاوردیانی، مسئول برنامه‌های آموزشی عدم خشونت یونسکو و به عنوان شخصی که هنوز به صحت شعار پیشگیری، بهتر از درمان است اعتقاد دارد: «هیچ دستورالعمل ساده‌ای برای حل این مشکل وجود ندارد، زیرا هنگامی که درگیری فوران می‌کند، اغلب دیگر بسیار دیر شده است».

او می‌گوید: «به همین دلیل است که ارائه ابزارهای آموزشی مناسب به آموزگاران، کارکنان مدارس و دانش‌آموزان برای پیشگیری و تغییر شکل خشونت‌ی که روزانه در محیط کارشان با آن مواجه هستند، اهمیت فراوانی دارد (به مقاله‌ای که در پی می‌آید توجه کنید).

«هدف یونسکو، تبلیغ روش‌های عدم خشونت از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و انتشار نشریات است؛ به گونه‌ای که برای مدارس ابتدایی و دبیرستان‌ها قابل استفاده بوده و قادر به ترغیب آموزگاران باشد و راه‌حلی را برای مهار خشونت در میان جوانان ارائه کند. در رویارویی با این مشکل تقریباً بین‌المللی، خلاقیت، و از همه مهم‌تر عشق می‌تواند به طرف‌های مختلف درگیر کمک کند تا این معضل را به همدلی مبدل کنند»

جان دانیل، معاون مدیرکل یونسکو در مقدمه «بهترین روش‌های حل صلح‌آمیز خشونت در داخل و خارج از مدرسه» می‌نویسد: «در هزاره حاضر، ما باید به آنچه که بنیانگذاران با نگرش دوراندیشانه‌شان از عبارت «دفاع از صلح» مد نظر داشتند توجه کنیم و حتی فراتر از آن را نیز در نظر بگیریم. در موقعیت کنونی جهان، مسئله دفاع به تنهایی مؤثر نیست بلکه مؤثر بودن، در یک تغییر بنیادی‌تر است؛ یعنی تغییر بینش نسبت به جهان، روش تعلیم و تربیت، برقراری ارتباط و زندگی با یکدیگر».

کریستینا لوم

* این مطلب به صورت (online) در سایت زیر در دسترس است:

<http://unesdoc.unesco.org/images/0012/001266/126679e.pdf>

میانجیگری در مدرسه

دانش‌آموزان و آموزگاران در مدرسه‌ای در حومه پاریس یاد می‌گیرند تا مشکلاتشان را بدون خشمگین شدن حل کنند.

به منظور کاربرد صحیح این ساختار، مدیر مدرسه، آموزش میانجیگری را به افراد بزرگسال و سپس به دانش‌آموزان در مدرسه پیشنهاد کرد. آنها روش طرح سؤالات محرک گفت‌ووشنودها را آموختند و از ایفای نقش برای پیشبرد مهارت‌هایشان استفاده کردند.

یکی از میانجیگران به یک دستیار آموزگار به نام لارنس، از روابط انسانی استنباط متفاوتی ارائه داد: «هر چه فاصله بیشتر باشد، احترام نیز بیشتر خواهد بود. من بالاخره فهمیدم که پرخاشگری یک دانش‌آموز، ناشی از رنج‌های اوست».

فلورانس، معلم تربیت بدنی می‌افزاید: «مشاجرات در آغاز اغلب جزئی هستند و با عبارتهایی مثل به چی داری نگاه می‌کنی، شروع می‌شوند؛ اما خشونت بدنی و زبانی متعاقب آن می‌تواند شدید باشد».

آموزش میانجیگری، تأثیر خوبی بر دانش‌آموزان داشته است. در طول دو سال حدود شصت نفر از تعداد ششصد و پنجاه دانش‌آموزان مدرسه در این دوره شرکت کردند. چارلن، یک میانجی جوان می‌گوید: «آنها از اینکه می‌توانند صحبت کنند و به حرف‌هایشان گوش داده شود، واقعاً خوشحال هستند».

صبا، یکی دیگر از دانش‌آموزان کلاس شارلین که ضمناً میانجی نیز هست، می‌گوید: «در آغاز آنها ما را به این کار متهم می‌کردند که با گذراندن دوره کارآموزی قصد تعطیل کردن کلاس‌ها را داریم، اما بعداً با سرقت چند خودکار حادثه دیگری روی داد و یک نقشه از قبل سازمان‌یافته در محل گفت و شنود، آنچه را که اتفاق افتاده بود، افشا کرد و خودکارها بازگردانده شدند».

صبا می‌گوید: «حتی اگر تعداد شکست‌ها از راه‌حل‌ها بیشتر باشد من احساس غرور می‌کنم، زیرا ما هستیم که آنها را پیدا کرده‌ایم».

آموزگار و دو شاگرد او، در اتاق گفت‌ووشنود روبه‌روی هم نشستند. آنها به طور مساوی صحبت کردند و آنچه را که در ذهن داشتند، بدون ترس از تنبیه و در حالی که سرهایشان را پایین انداخته بودند، به زبان آوردند.

یکی از دانش‌آموزان اعتراف می‌کند: «من بی‌حرمتی کردم و به آن نیز واقفم».

آموزگار پاسخ می‌دهد: «من فکر می‌کردم او از من متنفر است».

کریستینا لوم

آموزگار گله می‌کند: «آنها به حرف‌های من توجه نمی‌کنند!» دو دانش‌آموز بلافاصله جواب می‌دهند: «او ما را اذیت می‌کند».

این بگومگو سریعاً حاد می‌شود. آموزگار سعی می‌کند از قدرتش استفاده کند در حالی که دانش‌آموزان از او می‌خواهند علت رفتار خود را توضیح دهد. جو دبیرستان کلود مونه در آرژنتویل، نزدیک پاریس، پرخاشگرانه و حتی بحرانی است.

این مدرسه که به دلایل مشکلات ناشی از فقر گسترده، محرومیت‌های اجتماعی و فرهنگی، مهاجرت، اقتصاد بازار سیاه و خشونت همیشگی «منطقه آموزشی اضطراری» نامیده شده است، یک مورد استثنایی نیست و وضعیت آن می‌تواند به سرعت وخیم‌تر شود؛ اما با این همه، توانسته است این فشارهای روحی خطرناک را کاهش دهد. چگونه؟ از طریق ایجاد ساختار و روحیه میانجیگری.

کریستین کامز، مدیر این مدرسه، ارزیابی روشنی را از این مسئله ارائه می‌کند: مدارس به طور فزاینده‌ای چندفرهنگی و چندقومی می‌شوند و زندگی تحصیلی به شدت گرفتار مشکلات ارتباطی و خشونت‌های ناشی از آن است.

در سال ۱۹۹۷، یک انجمن فرانسوی فعال در حوزه میانجیگری و تربیت میانجی‌ها، مرکز میانجیگری و توسعه آن (سی ام اف ام)، در خصوص آغاز طرحی که مدارس و مدیران را به فراگیری میانجیگری مجاز می‌دانست، با یونسکو همکاری کرد. همکاری مذکور باعث شد تا کریستین کامز بهتر به عقایدش پی ببرد. او به دانش‌آموزان یک کارت دوازده امتیازی پیشنهاد کرد تا میزان ارتباط خویش را با آموزگاران بسنجند و جلسات هفتگی تشکیل داد تا درباره نتیجه این کار با یکدیگر صحبت کنند. مسئله مهم‌تر این بود که او جایی را برای میانجیگری در دعاها اختصاص داد و آن را «مکان گفت‌و شنود» نامید، تا دو نفر که مشکلی دارند بتوانند در حضور یک میانجی به گفت‌وگو بپردازند. مکانی که به اعتقاد کارولین آنویل، معلم ادبیات مدرن، «در آنجا می‌توان ناکامی و مشاجرات لفظی را بروز داد. جایی که به حرف‌های یک شخص بدون قضاوت کردن گوش داده می‌شود؛ زیرا اگر خشونت از طریق زبان ابزار نشود، به خشونت عملی منجر خواهد شد».

فرایند میانجیگری ساده است. ابتدا، هر یک از طرفین مسئله خود را جداگانه بیان می‌نماید، سپس بنا به اظهار یکی از تعلیم‌دهندگان به نام کولت، «میانجی امکان ملاقات آن دو را فراهم می‌سازد و با طرح سؤالاتی آنها را به بیان احساساتشان وادار می‌کند. گوش دادن و همدلی، امکان برطرف شدن مشاجره را از راه توافق - البته اگر توافقی به عمل آید - میسر می‌سازد و این برای هر دو طرف قابل احترام خواهد بود». اما این نکته را به خاطر بسپارید که میانجیگری راه‌حل خارق‌العاده‌ای نیست و میزان موفقیت در آن تنها سی و پنج درصد است.

یونسکو در نگاهی کوتاه

نسلی بدون بیماری ایدز

این، نام و هدف یک برنامه جدید جهانی است که در ماه مارس سال ۲۰۰۴ در لیونینگ استون (زامبیا) از سوی یونسکو پیشنهاد شده و مورد قبول UNAIDS، برنامه مشترک سازمان ملل درباره HIV/AIDS، قرار گرفته است. کوئیچیرو ماتسورا، مدیرکل یونسکو اظهار داشت: «این طرح جدید متشکل از تلاشی جدی برای کمک کردن به کشورهاست تا پاسخی فوری و سنجیده به آموزش پیشگیری دهند». این اقدامات شامل: توسعه برنامه‌های آموزشی، تدوین طرح‌های تربیت معلم، تدوین سیاست‌های محل کار برای مؤسسات آموزشی، بهبود سازوکارهای سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی، افزایش فرصت‌های آموزشی غیررسمی احیا شده، فراهم آوردن محیط امن برای مدارس و فضاهای اطراف آنها، گسترش ارتباطات محلی مدارس با جوامع محلی و افزایش ظرفیت ملی است. در این زمینه یک جعبه ابزار به همراه بسته آموزشی که با نیازهای کشورها، فرهنگ‌ها و محیط‌های اجتماعی مختلف سازگار باشد، طراحی خواهد شد و در چند کشور که به شدت مورد حمله HIV/AIDS هستند - عمدتاً در ناحیه جنوبی صحرای آفریقا - مورد آزمایش قرار خواهد گرفت.

۴۶ میلیون کودک محروم از مدرسه در جنوب و شرق آسیا

بنابر گزارش منطقه‌ای جنوب و شرق آسیا که توسط مؤسسه آمار یونسکو منتشر شده است، با وجود افزایش چشمگیر در ثبت‌نام‌ها در دهه گذشته، هنوز هم حدود چهل و شش میلیون کودک در بیست و دو کشور جنوب و شرق آسیا به مدرسه نرفته‌اند. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که فقط نیمی از کودکانی که در هند، جمهوری دموکراتیک خلق لائوس و میانمار وارد دبستان می‌شوند، به کلاس پنجم می‌رسند. نپال، کامبوج و بنگلادش با فاصله کمی، در مرحله بعد قرار می‌گیرند. در این کشورها، سی و پنج الی سی و هشت درصد از کودکان، قبل از پایان دوره دبستان، ترک تحصیل می‌کنند.

www.uis.unesco.org

تفاهم‌نامه دوم

دومین تفاهم‌نامه کنوانسیون لاهه مصوب سال ۱۹۵۴ برای حفاظت از اموال فرهنگی در هنگام وقوع جنگ، در نهم مارس به مرحله اجرا درآمد. این تفاهم‌نامه که در ماه مارس ۱۹۹۹ در لاهه تصویب شد، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و تفاهم‌نامه اول آن را تحکیم می‌بخشد و بر «مصونیت» میراث فرهنگی در زمان جنگ تأکید مجدد می‌کند و به موجب آن، فرد یا افرادی که مرتکب جنایات فرهنگی شده‌اند، مجرم و جنایتکار شناخته می‌شوند. این تفاهم‌نامه همچنین بر نیاز به اتخاذ مقدمات لازم در زمان صلح برای حفظ این اموال در زمان جنگ تأکید دارد، تا به موجب آن، نظریه «لزوم اجبار نظامی» که اجازه ابطال قوانین مربوط به میراث فرهنگی را می‌دهد، تا حدی محدود شود. یک کمیته بین‌دولتی، متشکل از دوازده گروه دولتی، اجرای این کنوانسیون و دو پروتکل آن را کنترل خواهد کرد و قادر خواهد بود بعضی از میراث فرهنگی خاص را که برای بشریت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، مورد حفاظت شدید قرار دهد.

تقویت تحقیقات زمین‌شناسی

در دهم فوریه، مدیرکل یونسکو در مقر سازمان، دو یادداشت تفاهم را با مرکز مطالعات زمین‌شناسی ایالات متحده آمریکا و مرکز تحقیقات زمین‌شناسی آلمان، به منظور تقویت همکاری در زمینه علم زمین‌شناسی امضا کرد. این اولین یادداشت تفاهم بین یونسکو و ایالات متحده آمریکا، پس از بازگشت به این سازمان است. یادداشت تفاهم با آلمان، تجدید یادداشت تفاهمی است که پنج سال قبل امضا شده بود. هدف از این دو یادداشت تفاهم، پیشگیری و کاهش بلایای طبیعی، خصوصاً از طریق تبادل دانش علمی و فنی و افزایش ظرفیت علمی و فنی در چند زمینه، از جمله بررسی جهانی زمین و حفاری قاره‌ای است.

هزینه سنگین تکرار

براساس تحقیق مؤسسه آمار یونسکو در پانزده کشور آمریکای لاتین، تکرار دوره تحصیلی، سالانه بیش از یازده میلیارد دلار برای این منطقه هزینه در بر دارد. بیش از هشت میلیارد دلار از این هزینه مربوط به کشور برزیل است که در آن، از هر چهار دانش‌آموز دوره ابتدایی یک نفر دوره سالانه را تکرار می‌کند. البته، میزان تکرار دوره تحصیلی در گواتمالا (۱۴ درصد) و پرو (۱۱ درصد) نیز بالاست.

تماس:

آلبرت موتیون، UIS

پست الکترونیک:

a.motivans@unesco.org

آزمایشگاه‌های توسعه پایدار

در اجلاس ۲۶ ژانویه در یونسکو، وزیران محیط‌زیست کشورهای غرب آفریقا از مسئولان برنامه جدید مشارکت برای توسعه آفریقا (NEPAD) خواستند تا از ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره به عنوان آزمایشگاهی برای توسعه پایدار استفاده کنند. آنها همچنین طرح جدیدی را برای بهبود کنترل و حفاظت شش ذخیره‌گاه زیست‌کره در این منطقه آغاز کردند. این طرح در عین حال فهرستی از گیاهان و حیوانات ساکن در این ذخیره‌گاه‌ها را گردآوری می‌کند و ساخت‌های علمی و بنیادی را توسعه می‌دهد تا اثر محیط‌زیست را بر فعالیت‌های انسان، کنترل و مدیریت نماید. طرح مذکور با بودجه‌ای بیش از شش میلیون دلار، اولین طرح یونسکو است که از صندوق جهانی محیط‌زیست کمک مالی دریافت می‌کند.

در دست اقدام

دفتر کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی، (IBC) و کمیته بین دولتی اخلاق زیستی، (IGBC) با رؤسای بیست و چهار کمیته ملی اخلاق زیستی اتحادیه اروپا برای انجام اولین دور مذاکرات درباره تهیه اعلامیه آتی در مورد معیارهای جهانی اخلاق زیستی، در نوزدهم دسامبر سال ۲۰۰۳ در رم ملاقات کردند. برای رسیدن به این هدف، نسخه کتبی این مذاکره توسط کشورهای عضو یونسکو در ماه ژانویه به جریان انداخته شد. تأکید اصلی آن بر دامنه و ساختار اعلامیه مذکور بود.

www.unesco.org/shs/bioethics

حق چاپ

به صورت بر خط (on line)

در حال حاضر حدود صد متن قانونی در مورد حق چاپ و حقوق مربوط به آن، به صورت بر خط (online) قابل دسترس هستند. این فهرست شامل: مجموعه قوانین و مقررات ملی کشورهای عضو یونسکو است که توسط مؤسسه فرهنگی و بخش حق چاپ این سازمان در فواصل زمانی معین روزآمد می‌شود و بیشتر اقلام آن حداقل به یکی از شش زبان رسمی یونسکو (عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی) ترجمه شده‌اند.

اینترنت: <http://portal.unesco.org/culture/en>

برای اطلاعات بیشتر، به این نشانی مراجعه شود: copyright.law@unesco.org

حقوق بشر

تأکید بر تحقیق و تعلیم

راهنمای جهانی تحقیق و تعلیم حقوق بشر که از سوی یونسکو منتشر شده، کامل‌ترین مرجع موجود در زمینه این موضوع است. این مرجع که توسط مرکز اسناد علوم انسانی و اجتماعی یونسکو و مشارکت بخش حقوق بشر تهیه شده، دارای بیست هزار فهرست است که ده هزار مورد آن به صورت بر خط (online) قابل دسترس است و امکان ارجاع درون متنی نیز وجود دارد.

(<http://databases.unesco.org/dare/dareintro.shtml>)

این مرجع که اولین بار در ۱۹۸۷ منتشر شد، نسخه کاغذی آن به مناسبت گردهمایی جهانی حقوق بشر که از شانزدهم تا نوزدهم ماه مه ۲۰۰۴ توسط یونسکو در نانت فرانسه برگزار گردید، برای ششمین بار تجدید چاپ شد.

برای اطلاعات بیشتر در مورد این گردهمایی، به سایت زیر مراجعه شود:

www.unesco.org/shs/humanrightsforum

دو کرسی جدید علوم اجتماعی

در آغاز سال ۲۰۰۴، کرسی جدیدی برای آموزش و توسعه انسانی در مؤسسه آیرتون سنا در برزیل ایجاد شد و بدین ترتیب تعداد کرسی‌های یونسکو در خصوص توسعه پایدار به بیست و پنج رسید.

هدف این کرسی توسعه تحقیق، تعلیم، اطلاعات و اسناد در این حوزه با همکاری سایر مؤسسه‌های آموزش عالی است. در کانادا، دانشگاه مونترال که از پیشروان تحقیق و آموزش محوطه‌سازی در معماری است، در ماه فوریه اعلام کرد که یونسکو یک کرسی به طراحی محوطه و محیط زیست اختصاص داده است. یکی از طرح‌های مهم این کرسی ایجاد رصدخانه بین‌المللی محوطه‌سازی با همکاری برنامه مدیریت تغییرات اجتماعی یونسکو و مرکز میراث جهانی است.

www.unesco.org/education/unitwin/chairs/sustain-dev

www.iforum.umontreal.ca/Communiques/۳۲۱۱.htm

هشدار هنری

لیست قرمزی از آثار فرهنگی در معرض خطر آمریکای لاتین، شامل: میراث فرهنگی قبل از کشف آمریکا و دوره مستعمراتی، توسط شورای بین‌المللی موزه‌ها و یک سازمان غیردولتی که با یونسکو در مبارزه با سوداگری آثار فرهنگی همکاری نزدیکی دارد، منتشر شده است. این لیست شامل: آثار نقاشی کوسکو کیتو، از قرن‌های هفدهم و هجدهم و پیکرهای سفالی ناپاریت از مکزیک متعلق به سیزده سال قبل از میلاد تا پانصد میلادی است. لیست مشابهی برای آفریقا و عراق نیز منتشر شده است. فهرست قرمز آمریکای لاتین هشدار برای موزه‌ها، مکان‌های مزایده و حراجی‌های اشیای عتیقه است تا دلال‌های هنری و کلکسیونرها به خریدن این آثار اقدام نکنند.

<http://icom.museum/redlist>

تجدید پیمان ای - ۹

وزیران آموزش و پرورش تعداد ۹ کشور پرجمعیت: بنگلادش، برزیل، چین، مصر، هند، اندونزی، مکزیک، نیجریه و پاکستان در دسامبر سال ۲۰۰۳، در اجلاس قاهره، مجدداً بر تعهدشان نسبت به آموزش برای همه تأکید کردند و در مورد تحکیم همکاری فی مابین، توافق نمودند. این کشورها که به گروه ای - ۹ شناخته شده‌اند، بیش از پنجاه درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند، ضمن اینکه هفتاد درصد بزرگسالان بی‌سواد و بیش از چهل درصد کودکان محروم از تحصیل جهان را به خود اختصاص داده‌اند.

بعد از اجلاس قاهره، وزیران مذکور در اعلامیه‌ای به افزایش ثبت‌نام‌ها، بالا رفتن میزان باسوادان (به‌ویژه در مورد زنان) و دسترسی بیشتر به آموزش و پرورش برای کودکان اشاره کردند، اما معترف بودند که هنوز هم با چالش‌هایی در جهت نیل به آموزش برای همه مواجه هستند.

جزیره های کوچک، مشکلات بزرگ

کشورهای کوچک جزیره‌ای، متفاوت از آنچه که در بهشت «بالیهایی» در هالیوود به تصویر کشیده شده است، می‌توانند مکان‌های بسیار آسیب‌پذیری باشند که از بُعد توسعه با مشکلات متعددی مانند: جمعیت اندک، نبود منابع، دورافتادگی و احتمال وقوع بلایای طبیعی دست به گریبان‌اند. اقتصاد آنها معمولاً محدود و وابسته به صنعت گردشگری است و این، با هزینه‌های سنگین حمل‌ونقل و ارتباطات و خدمات عمومی و زیربنایی همراه است.

پی بردن به دلیل این آسیب‌پذیری تأثرانگیز کار مشکلی نیست. در اواخر فوریه گذشته، وقوع یک مَد غیرعادی بخش‌های عظیمی از تووالو، که یک کشور جزیره‌ای کوچک در اقیانوس آرام است را به زیر آب فرو برد. چنانچه افزایش سطح آب دریا به خاطر گرم شدن کره زمین همچنان ادامه یابد، قطعاً تووالو ناپدید خواهد شد. ماه گذشته جزیره نیوئه در اقیانوس آرام، با گردباد شدید هتا ویران شد و اکثر ساکنان آن درصدد پناهنده شدن به نیوزیلند هستند. با وجود این، تمایل به بازگشت و بازسازی سرزمین، گواهی بر این امر است که استقامت جزیره‌نشینان بیش از غلبه بر مشکلاتی است که با آنها مواجه می‌شوند. این نسخه از پیام یونسکو، به ارائه تصاویری از چگونگی زندگی در جزیره های کوچک در دنیای امروز می‌پردازد.

جزیره جهانی و جهان جزیره‌ای

لوئیز بریگند، استاد جغرافیا در دانشگاه برست (فرانسه) و سرپرست منطقه حفاظت شده ایروا توضیح می‌دهد که چرا بیشتر چیزهایی که برای یک جزیره کوچک ضروری است، برای بریتانی - جایی که او زندگی و کار می‌کند - و همچنین اقیانوس آرام جنوبی صادق است.

تعریف جزیره چیست؟

تقریباً به تعداد جزیره‌های موجود، تعریف‌های متعددی وجود دارد. اصلی‌ترین تعریف عبارت است از: «سرزمینی که به وسیله آب احاطه شده باشد»؛ اما سازمان‌های بین‌المللی همیشه از این معیارهای مشابه استفاده نمی‌کنند. برای یکی ممکن است جزیره به مفهوم ناحیه معینی باشد و برای دیگری امکان دارد میزان دوری آن از یک قاره، دارای سکنه بودن یا نبودن و یا تعداد ساکنان آن مورد نظر باشد. از نظر جامعه اروپایی، اگر پایتختی در یک جزیره قرار گرفته باشد، دیگر آن مکان جزیره به شمار نمی‌رود. از دیدگاه یک زیست‌شناس، قلّه یک کوه، تپاله گاو یا زمینی مسطح در یک جنگل نیز جزیره تلقی می‌شوند. بعضی از جغرافیدانان حتی تا آنجا پیش می‌روند که می‌گویند زمین جزیره‌ای در کائنات است.

آیا انزوا بخش مهمی از این تعریف است؟

انزوا، یک بخش ضروری است و در تمامی تعاریف - اعم از انزوای جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی - به آن اشاره شده است. فیلمسازان، هنرمندان، نظامیان و مذاهب، همگی به جزیره‌ها علاقه‌مندند. جزیره‌ها مکان‌هایی برای پی بردن به خویشتن هستند، در آنجاست که صومعه‌ها و زندان‌ها ساخته شده‌اند. اینها نقش‌های سنتی جزیره‌ها در ارتباط با انزوا هستند.

آیا جزیره‌نشینی در همه جای دنیا یکسان است؟

حتی در جزیره‌های کوچک بریتانی نیز ویژگی‌های جزیره شنی، مشابه مکان‌های دیگر است. عرض جغرافیایی هر اندازه باشد، مشکلات مشابهی وجود دارد. در جزیره کوچک مولن با وجود بارندگی زیاد، مشکل آب شیرین وجود دارد. کشورهای جزیره‌ای کوچک، اغلب با جدا شدن تدریجی از یک کشور قاره‌ای، موقعیت خود را به دست آوردند. گاهی اوقات در بعضی از مجمع‌الجزایر، هر یک از جزیره‌ها برای کسب استقلال سعی داشتند و کلیه جزیره‌های کوچک بریتانی در انجمنی به یکدیگر ملحق شدند که بیست و پنج سال (جزیره‌های کوچک یونان) با بودجه نسبتاً قابل توجهی فعالیت کرده بودند. این روش، از جمله روش‌هایی است که به جزیره‌نشینان امکان ابراز عقیده را در مقابل کشور و قاره‌ای که به آن متعلق‌اند، می‌دهد.

آیا انواع مختلفی از جزیره‌ها وجود دارد؟

از لحاظ جغرافیایی می‌توان جزیره‌ها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد: جزیره آتشفشانی که به طور ناگهانی ظاهر می‌شود، و جزیره مربوط به قبل از پیدایش قاره که به علت بالا و یا پایین آمدن سطح آب و یا به دلیل تکه‌تکه شدن ایجاد می‌گردد. اینها بخش‌هایی از یک قاره هستند که در مرحله‌ای از تاریخ زمین‌شناسی از یکدیگر جدا شده‌اند. جزیره‌های آتشفشانی بزرگ در امتداد مرزهای اقیانوس اطلس و آرام به وجود آمده‌اند. نکته جالب توجه این است که در جزیره‌های آتشفشانی، شکل‌گیری فضا شیوه‌های متفاوتی دارد؛ بدین ترتیب که متشکل از سطوح مخروطی شکل و سراسیمه‌ها و سربالایی‌های تند است. جاده‌ها، اغلب جزیره را دور می‌زنند و پستی و بلندی چندانی ندارند. این جزیره‌ها معمولاً بخشی از یک مجمع‌الجزایر هستند.

آیا اگر پلی وجود داشته باشد، یک جزیره باز هم جزیره محسوب می‌شود؟

از نظر من، وجود پل عامل تغییری مؤثر در یکی از مهم‌ترین اجزای به وجود آورنده یک جزیره محسوب می‌شود. مثلاً در مورد تمام جزیره‌های نزدیک به قاره، حتی آنهایی که فقط کمی از خشکی دور هستند، مانعی مثل آب، همه چیز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. انواع دیگری از پل نیز وجود دارد که زیاد به آنها فکر نمی‌کنیم. مثلاً در جایی که سیم‌های زیرآبی پلی را می‌سازند، الکتریسیته وجود دارد و مسئله آب آشامیدنی نیز مطرح است. وجود یک خط لوله از سرزمین اصلی به یک جزیره، شیوه تفکر مردم را درباره استفاده از آب و کمبود آن در مقایسه با زمانی که مجبور شوند در پی یافتن روش‌هایی برای دستیابی به آب باشند، کاملاً تغییر می‌دهد. در مولن، آب‌انبار وجود دارد و تقریباً همه خانه‌ها دارای منبع ذخیره آب باران هستند.

رفتن به یک جزیره با پای پیاده از طریق پل، خسته‌کننده است. زمان رسیدن از قاره به جزیره، با هواپیما یا با کشتی تفاوت اساسی دارد. ما همیشه درصدد یافتن راه‌های سریع‌تری برای رسیدن به یک جزیره هستیم، اما مطمئن نیستیم این همان چیزی باشد که مردم واقعاً خواستار آن هستند. آنها در این مسیر تمایلی ندارند که حتی ۱۵ دقیقه از وقت را صرفه‌جویی کنند. زودتر رسیدن برایشان لذت چندانی ندارد به طوری که می‌توان گفت، آنها حتی از طولانی‌تر شدن زمان رسیدن به جزیره لذت هم می‌برند.

جزیره‌ها برای دریانوردان اهمیت زیادی دارند، این طور نیست؟

وقتی به نقشه‌های قدیمی نگاه می‌کنم، چیزی که همیشه نظر مرا به خود جلب می‌کند این است که جزیره‌ها همیشه ترسیم شده‌اند و اندازه آنها همیشه بزرگ‌تر نشان داده شده است و این حاکی از اهمیت آنها برای دریانوردان است. برای دریانوردان یک جزیره همیشه اولین سرزمینی است که قبل از رسیدن به قاره و آخرین سرزمینی است که پیش از ترک قاره آن را می‌بینند. جزیره، هم منبع خطر و هم امنیت است، جزیره پناهگاهی برای استراحت و جایی برای یافتن آذوقه و شاید نیز یک همدم است.

چرا جزیره‌ها برای دانشمندان جالب هستند؟

در همه جزیره‌های کوچک، حتی در کوچک‌ترین آنها، صدها موضوع برای مطالعه وجود دارد. مثلاً زیست‌شناسان ممکن است با گونه‌های بومی یا انواع منحصر به فردی برخورد کنند که خصوصیاتشان با گونه‌های موجود در قاره مشابه نباشند. جامعه‌شناسان ممکن است به مطالعه در مورد ساکنان یک جزیره بپردازند؛ زیرا آنها دارای ویژگی‌هایی هستند که به دلیل دورافتادگی، در آنها حفظ شده است. گیاه‌شناسان روش‌های سازگاری گیاهان را با بعضی از شرایط آب و هوایی مورد مطالعه قرار می‌دهند.

مثلاً، در جزایر بریتانی، موضوع‌های جالب و فراوانی برای باستان‌شناسان وجود دارد که شاید علت این امر دست‌نخوردگی خاک و یا نبود پوشش گیاهی باشد. حتی می‌بینیم که در جزیره‌های کوچک، تقریباً تمام روش‌های عملی کاربرد دارند و می‌توان آنها را عملی کرد و نیز چون یک جزیره در آب احاطه شده است، هر چه کوچک‌تر باشد بیشتر در معرض فرسایش و جریان‌های آب و هوا قرار می‌گیرد. بنابراین، خطوط ساحلی در جزیره‌ها بسیار بیشتر از قاره‌ها دستخوش تغییر می‌شوند؛ از این رو، این جزیره‌ها مکان‌های بسیار جالبی برای بررسی پدیده‌هایی هستند که کلاً بر سیاره زمین تأثیر می‌گذارند.

اینکه بسیاری از جزیره‌ها، مانند ذخیره گاه‌های طبیعی و همچنین زیست‌کره با توسل به قوانین حفاظت محیط‌زیست نگهداری می‌شوند، امری اتفاقی نیست.

آیا جزیره خاصی مورد علاقه شماست؟

من سعی می‌کنم آنها را با هم مقایسه نکنم، به علاوه، زیباترین جزیره‌ها تخیلی هستند، این طور نیست؟

این مقاله، توسط پیتر کولز تهیه و ویرایش شده است. از دیوید بکر، دومینیک برتویل، تیم کرتیس، رالف ریجن وانو و اینتا ک شلوباخ به خاطر کمک و راهنمایی‌شان سپاسگزاریم.

ناپدید شدن تووالو

موقعیت طبیعی جزیره‌های مرجانی تووالو در اقیانوس آرام، مانند جزیره‌های مالدیو در اقیانوس هند به گونه‌ای است که با بالا آمدن سطح آب دریا در اثر گرم شدن کره زمین، در معرض ناپدید شدن قرار دارند.

پاناپاس نلیسونی، مسئولیت عجیبی دارد. تعداد وزیرانی که مسئولیت برنامه‌ریزی نابودی کشورشان را دارند، بسیار اندک است. اکنون تووالو با خطری غیرعادی، و شاید بی‌سابقه در تاریخ بشر یعنی؛ ناپدید شدن کل این کشور جزیره‌ای در اثر بالا آمدن سطح آب دریا مواجه شده است.

در حالی که در دفتر کار کوچکی در یک ساختمان سفیدرنگ یک طبقه که قسمت اعظم دولت ملی تووالو را در خود جای داده است، نشسته بودیم پاناپاس به من گفت: «ما نمی‌توانیم کنار بنشینیم و هیچ کاری را انجام ندهیم. تاکنون موافقت نیوزیلند را برای مهاجرت سالانه هفتاد و پنج نفر به آنجا کسب کرده‌ایم». او اصرار داشت، این کار را نه به عنوان یک جور تخلیه، بلکه نوعی مهاجرت جلوه دهد. ۱۱/۳۰۰ نفر از ساکنان تووالو اکنون ترک کردن خانه‌هایشان را آغاز کرده‌اند. او گفت ما نمی‌دانیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. امکان دارد فرهنگ و هویتمان را به عنوان افراد تووالویی از دست بدهیم. قبول این واقعیت برای مردم ما، در حالی که در کشور دیگری به سر می‌برند، نیازمند گذشت زمان خواهد بود.

جاری شدن سیل

روز بعد، هنگامی که سایه غروب روی درختان نارگیل و پاندانوس خط ساحلی فونافوتی امتداد می‌یافت، چاله‌های آب در اطراف باند موقت هواپیما ظاهر شدند. در حالی که مدّ شدید، آب دریا را با فشار به طرف مرکز جزیره جاری می‌کرد، آب از حفره‌های کوچک زمین فوران می‌کرد (ساختن موج‌شکن در اطراف جزیره‌های مرجانی مثل تووالو بی‌فایده است؛ زیرا صخره‌های مرجانی نفوذپذیر هستند و سیل در این جزیره‌ها از درون زمین به بیرون جاری می‌شود) و هنگام فروکش کردن مجدد مدّ، عمق آب در مناطق عریض‌تر به یک فوت هم رسیده بود. هیلیا واوایه، متخصص ارشد هواشناسی تووالو در حالی که در میان آب‌هایی که دفتر کارش را احاطه کرده بودند، شلپ‌شلپ می‌کرد گفت: «این سیل‌ها به طرز وحشتناکی زیاد شده‌اند. سال گذشته در هنگام مدّهای شدید ماه‌های نوامبر، دسامبر، ژانویه، فوریه و مارس گرفتار سیل شدیم؛ اما در ۱۹۸۱، هنگامی که برای اولین بار کارم را در دفتر هواشناسی آغاز کردم، فقط در ماه فوریه شاهد جاری شدن سیل بودیم». علائم دیگری نیز از بالا آمدن سطح آب وجود دارد. کشت هسته پولاکا، یک گیاه ریشه‌ای مانند لوف، از نفوذ آب شور آسیب دیده است. در بعضی از نواحی، سه چهارم گیاهان از بین رفته‌اند و مردم را به مواد غذایی وارداتی متکی کرده‌اند. ضمناً، چند سال پیش، تپوکا ساویلی ویلی، یک جزیره کوچک در کنار جزیره مرجانی فونافوتی، توسط امواج شسته شد و سبزی‌کاریهای آن از بین رفت. اهالی تووالو به این حادثه، به عنوان نشانه‌ای از آنچه که قرار است برای باقی‌مانده سرزمین آنان اتفاق بیفتد، می‌نگرند.

مناطق ساحلی در معرض خطر

با این حال بعضی از مردم، ساکنان تووالو را مسئول سرنوشت خودشان می‌دانند و معتقدند، کثرت جمعیت، استخراج آب‌های زیرزمینی یا حفاری بستر دریا دور از ساحل می‌تواند بیشتر از بالا آمدن سطح آب دریا موجب بروز سیل و فرسایش شود. اما جزیره‌نشینان می‌گویند، بدترین فرسایش‌ها، در مناطق مرجانی غیرمسکونی و دور از دخالت انسان اتفاق افتاده است. در واقع، در حال حاضر تأثیر بالا آمدن سطح آب دریا در نواحی پست جهان به خوبی مشهود است. جزیره‌های مرجانی که به طور متوسط نیم متر بالاتر از سطح آب دریا قرار دارند، به مراتب آسیب‌پذیرترند. به عقیده پروفیسور پاتریک نان، متخصص زمین‌شناسی اقیانوس* در دانشگاه پاسیفیک جنوبی در فیجی، میزان بالا آمدن سطح آب دریا، یک تا دو میلی‌متر در سال است. در گردهمایی بین دولتی سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات جوی، بالا آمدن سطح آب دریا طی قرن آینده بین ۹/۸۸ سانتی‌متر پیش‌بینی شده است. پروفیسور نان، پیش‌بینی کرده است که «بسیاری از نواحی ساحلی پست ناپدید خواهند شد و در پنجاه سال آینده، جغرافیای منطقه اقیانوس آرام با آنچه که امروز می‌بینیم، کاملاً متفاوت خواهد بود».

مارک لیناس

از باربادوس تا موريس و دورترها

دو واژه‌ای که اغلب هنگام صحبت کردن در مورد چهل و یک کشور جزیره‌ای کوچک در حال توسعه (SIDS) از آنها استفاده می‌شود عبارت‌اند از: «آسیب پذیری و انعطاف پذیری».

برای اطلاعات بیشتر به سایت زیر مراجعه شود:

www.un.org/esa/sustdev/sids/sidslist.htm

انعطاف پذیر؛ زیرا جوامع سنتی جزیره‌ای، با وجود موانعی که از اندازه کوچک، در انزوا بودن و نیز در معرض خطر قرار داشتن آنها ناشی می‌شود، توانسته‌اند طی هزاره‌ها با محیط‌زیست و منابع خود در موازنه‌ای سالم باشند. به علاوه، آنها از دریا نه به عنوان یک مانع، بلکه اغلب از آن به عنوان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و انجام تجارت استفاده کرده‌اند؛ با وجود این، صنعتی شدن به طور محلی و در کشورهای دور دست در سراسر جهان، توازن را در این کشورهای جزیره‌ای کوچک تغییر داده است و خواهد داد.

ظاهراً تغییرات جوی قادر است میزان آن دسته از بلایای طبیعی را که جزیره‌ها در برابر آنها آسیب پذیر هستند، افزایش دهد. به علاوه بالا آمدن سطح آب دریا، حتی به میزان چند سانتی‌متر هم می‌تواند توسعه پایدار، امرارمعاش و نیز حیات جزیره‌هایی مانند تووالو و مالدیو را به خطر اندازد. در عین حال، بیشتر این جزیره‌ها منابعی ندارند که بتوانند به وسیله آن زیربنای اقتصاد خود را برای مشارکت فعالانه در اقتصاد جهانی تنوع بخشند. قدرت بسیاری از این جزیره‌ها، در پایدار بودن اقتصاد امرارمعاش آنهاست که اغلب بر پایه سنت و دانش بومی استوار شده است. این امر اغلب در اثر گرایش به سوی روش غربی توسعه مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد؛ ولی در بسیاری از جزیره‌ها دوام نمی‌یابد.

بنابراین، دو سال بعد از اجلاس زمین در ریودوژانیرو در ۱۹۹۲، جامعه بین‌المللی در بریج تاون، باربادوس، در کنفرانس جهانی توسعه کشورهای جزیره‌ای کوچک (بیست و پنجم آوریل تا ششم ماه مه ۱۹۹۴) گرد هم آمدند. مهم‌ترین نتیجه این کنفرانس، تهیه برنامه کار باربادوس به همراه فهرستی از پانزده مورد دیگر بود که SIDSها در قبال آنها فوق‌العاده آسیب‌پذیر بودند و فعالیت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در مواجهه با آنها ضروری به نظر می‌رسید. این نواحی، عمدتاً تحت تأثیر عوامل محیطی مانند تغییرات آب و هوا، بالا آمدن سطح آب دریا، منابع آب شیرین، بلایای طبیعی و تنوع زیستی قرار داشتند.

ده سال بعد، از سی‌ام اوت تا سوم سپتامبر ۲۰۰۴، موريس میزبان اجلاسی است تا در آن چگونگی اجرای برنامه کار باربادوس بررسی شود. موضوع‌های مرتبط با محیط‌زیست و منابع طبیعی - مثل بالا آمدن سطح آب دریا، منابع آب شیرین و انرژی همچنان در بحث‌های این اجلاس، همانند اجلاس باربادوس از اهمیتی ویژه برخوردار هستند.

اما در این میان، موضوعات مهم دیگری هم به میان خواهند آمد که تجارت، امنیت تنوع فرهنگی و نیز مدیریت دانش برای تصمیم‌سازی، از آن جمله‌اند.

یونسکو فعالانه در عملیات باربادوس ۱۰+ مشارکت می‌کند. مشارکت خاص یونسکو در فرایند ایجاد راه‌های ارتباطی و شبکه‌های گوناگون برای ترویج همکاری مؤثر بین بخش‌های اجتماعی و سازمانی و همچنین بین مناطق و نسل‌هاست. علاوه بر این، نقش دیگر آن مشخص کردن اهمیت فرهنگ، آموزش و جوانان برای تلاش در ایجاد یک نگرش جدید و تعهد در برابر جزیره‌های کوچک است.

برای اطلاع بیشتر از برنامه کار باربادوس، به سایت زیر مراجعه شود:

www.sidsnet.org/docshare/other/BPOA.pdf

برای اطلاع از چگونگی همکاری یونسکو با SIDS، به سایت زیر مراجعه شود:

<http://portal.unesco.org/islandsBplus10>

برای اطلاع از اجلاس باربادوس ۱۰+ در موريس، به سایت زیر مراجعه شود:

www.sidsnet.org

www.smallislands.voice.org

در کیپ‌ورد، برای رسیدن به آب شیرین باید مسیری طولانی را با پای پیاده طی کرد؛ اما در بعضی دیگر از جزیره‌ها، اصلاً آب شیرین وجود ندارد.

صلح و احترام

انواتو (از جزیره‌های ملانزی) کشوری است که به احتمال زیاد در مقایسه با سایر کشورها از تنوع فرهنگی بیشتری برخوردار است. شبکه ویژه‌ای از متخصصان کار میدانی، به زنده و سالم نگاه داشتن آداب و رسوم سنتی کمک می‌کنند.

بوزن ناپو، ما را با خود از میان جنگلی بارانی به پایین یک سراشیبی تند و مارپیچ دره ژرفی می‌برد که هر چه در طول جاده پیش می‌رویم، از ساحل دورتر می‌شویم. او می‌گوید: «پابره‌نه راه رفتن، بهترین شیوه برای بهتر چسبیدن پاها به خاک سیاه آتشفشانی است». سرانجام وقتی که به پایین دره برسیم، بلافاصله کوهنوردی تقریباً عمودی خود را در سمت دیگر آغاز می‌کنیم، تا به یک ناحیه وسیع و هموار برسیم که درخت‌های گول‌پیکر انجیر هندی بر آن سایه گسترده است. مردها و پسرها دور تا دور نشسته‌اند؛ این مکان - ناکامال - جایی برای ملاقات است، جایی که جاده‌های قدیمی بر فراز کوه‌های سرد تانا، در جنوب وانواتو همدیگر را قطع می‌کنند. در این مکان ناشناس، هر قدمی که برمی‌داریم برای من نه تنها یک جاده طبیعی بین ناکامالهاست، بلکه موجب تجدید خاطره و تأیید مجدد بسیاری از تعاملات دیگر می‌شود: رشته‌های پیوند خویشاوندی، قید و بندهای اجتماعی و شجره‌نامه‌های شخصی که ریشه آنها به «سنگ‌های مقدس» می‌رسد که به گفته مردم این منطقه، منشأ پیدایش آنها بوده است. در واقع، از کنار هر درخت، سنگ، جانور و یا مکانی که عبور می‌کنیم، لایه‌هایی از معانی تداعی می‌شوند.

بوزن، شخصی است که کار میدانی فرهنگی انجام می‌دهد. او یکی از شصت مرد و چهل زن داوطلب برای شرکت کردن در برنامه‌ای است که توسط مرکز فرهنگی وانواتو در اواخر دهه ۷۰ شروع به ثبت، حفظ و ارتقای تاریخ شفاهی و خصوصاً آنچه که امروز به کستوم (Kastom) مشهور است، کرد. این واژه را امروز کمابیش «سنت» ترجمه می‌کنند؛ ولی در حقیقت چیزی بیشتر از این است. وقتی وانواتو (نام قدیم آن نیوهبریدیز بود) در ۱۹۸۰ از سلطه مشترک انگلیس و فرانسه آزاد شد و استقلال یافت، کستوم فریاد حمایت‌طلبانه‌ای بود که سیزده جزیره اصلی و هفتاد جزیره کوچک را در مجمع‌الجزایر ملانزی، با حدود صد زبان و تنوع فرهنگی فراوان با هم متحد کرد.

حفظ کستوم

توصیف آیینی کستوم، هنوز هم کاملاً زنده است و در جزیره‌های شمالی مثل سانتو، امبا، پنتکوست و مالاکولا با جزیره‌های جنوبی افیت، ارومانگو و تانا تفاوت دارد. در شمال، وقتی که مردان و در بعضی از جزیره‌ها، زنان ثروتی کسب را می‌کنند، می‌توانند از طریق مراسم «اخذ درجه» برای ترفیع یافتن انتخاب شوند. دستمزد آنها خوک، دندان حیوانات، حصیر، سیب‌زمینی هندی و کاوا (ریشه کاوا برای تهیه نوشیدنی مقدس در میان اجتماع مردان در سراسر وانواتو مورد استفاده قرار می‌گیرد) است. در جنوب، در حالی که خوک، حصیر، کاوا و سیب‌زمینی هندی نیز از اقلام مبادله است، طبقاتی بودن جامعه محسوس نیست و خوک از دندانش مهم‌تر است.

اما به گونه‌ای که بوزن توضیح می‌دهد، کستوم چیزی بیش از یک مراسم مجلل است که در آن صدها نفر شرکت می‌کنند و تدارک برگزاری آن سال‌ها طول می‌کشد؛ او می‌گوید: «صلح و احترام پایه اساسی این مراسم هستند» و عادت‌های سنتی، به هر صورت وسیله‌ای برای حفظ هماهنگی بین نسل‌ها و خانواده‌هاست و یا صرفاً توازنی بین زندگی انسان و طبیعت ایجاد می‌کند.

از زمانی که سفیدپوستان برای اولین بار در اواسط قرن نوزدهم در این منطقه ساکن شدند، کستوم بارها مورد حمله قرار گرفت. در ۱۶۰۶ دی‌کویروس دریانورد پرتغالی، سپس در ۱۷۶۶ مردی فرانسوی به نام بوگن ویل و در ۱۷۷۴ نیز جیمز کوک انگلیسی که نقشه این جزیره‌ها را کشیده بود، از این جزیره‌ها بازدید کردند. اما از دهه ۶۰ به بعد، مبلغان مذهبی کاتولیک، پرسبیتترین و انگلیکن پس از مواجهه با مقاومت خشم‌آلود، افراد بومی را به برگشتن از کستوم و روی آوردن به دین جدید وادار کردند. بعدها، استعمارگران انگلیسی و فرانسوی نیز عادت‌های سنتی را منع کردند. امروز خطر بزرگی که کستوم را تهدید می‌کند، مدرسه است.

برنامه مجریان کارمیدانی

حتی در ینااولول دورافتاده، که بوزن مرا به آنجا برده است، تا زمانی نه چندان دور، مردم لباس سفیدپوستان را می پوشیدند، اما بعد به سنت هایشان برگشتند. خود او نیز وقتی مرد جوانی بود، تانا را برای کار کردن در یک کشتارگاه در مرکز این کشور، پورت ویلا واقع در جزیره افیت، ترک کرده بود. او می گوید: «من فقط کار می کردم و عرق می ریختم و غذای بد می خوردم» او تصمیم گرفت به وطن خود بازگردد.

در ۱۹۹۰، یکی از رؤسای این جزیره از بوزن خواست تا کارش را درباره تانا به عنوان مجری کار میدانی، به مرکز فرهنگی وانواتو ارائه کند. این مرکز به او یک ضبط صوت، چند باتری و نوار کاست داد و به او در زمینه نگهداری و نیز کار میدانی نژادشناختی مانند: ترسیم شجره نامه های خویشاوندی و فامیلی و نوشتن فهرست کلمات، تعلیمات اساسی داده شد.

بوزن می گوید: «من از یک ناکامال به ناکامال دیگر می روم. من از مردم می پرسم که آیا شیوه ای از کستوم را در زندگی خود اعمال می نمایند. اگر آنها این کار را کرده باشند، آن وقت با آنها گفت و گو می کنم و داستان هایشان را ضبط می نمایم. من هیچ انتقادی نمی کنم. ما داستانی داریم درباره مردی که راهی شکار لاک پشت می شود و از صخره ای بالا می رود تا بهتر ببیند؛ وقتی که آن صخره به حرکت می افتد او می فهمد که تمام این مدت روی یک لاک پشت ایستاده بود. بنابراین، من به مردم یادآوری می کنم: هر چیزی را که احتیاج دارید، زیر پای شما ست.»

بوزن هر سال برای تعلیم و تبادل آرا در کارگاه آموزشی با سایر مجریان کار میدانی جزیره های دیگر، به مدت دو هفته به پورت ویلا می رود. این کارگاه ها که از ۱۹۸۲ برگزار می شوند، هر کدام بر موضوع متفاوتی متمرکز شده اند و در آن از مطالبی استفاده می شود که در طول آن سال، از سوی محققان جمع آوری و ارائه شده است. موضوع امسال زبان است. موضوع سال گذشته «شیوه های سنتی بزرگ کردن فرزندان» بود. کارگاه زنان پژوهشگر، دو هفته قبل از مردان برگزار می شود.

بانکی برای فرهنگ

آمبونگ تامپسون، اهل مالاکولا، در پورت ویلا مسئول آرشیوهای شنیداری مرکز فرهنگی است. او می گوید: «مجریان کار میدانی پس از تکمیل ضبط نوارها، کاست هایشان را به اینجا می فرستند». او به هر کاست برچسب می زند و آن را در پایگاه اطلاعاتی رایانه ای ثبت می کند و بعد آن را در اتاق تهویه شده «محرمانه» ذخیره می کند. این اتاق را محرمانه می نامند؛ زیرا بعضی از کاست ها، حاوی اطلاعات محرمانه ای مثلاً در مورد بعضی از اعضای خانواده یا طایفه هستند. «برای ما اتاق محرمانه مثل یک بانک است، جایی که تمام دانش فرهنگی مان را در آن ذخیره می کنیم.»

در سال های اخیر، مرکز فرهنگی، آرشیوهای دیداری خود را نیز ایجاد کرده است. رالف رگن وانو، مدیر مرکز فرهنگی می گوید: «اکنون ما برای فیلمبرداری از رویدادها با تقاضاهایی بیش از آنچه که بتوانیم پاسخگو باشیم رو به رو شده ایم، زیرا منبعی برای تأمین هزینه های حمل و نقل در اختیار نداریم». او می گوید: «اما راه حل همیشه در گرو سرمایه گذاری کلان نیست. مسئله بیشتر، تربیت مجریان کار میدانی برای استفاده از ابزار است، به طوری که وقتی رویدادی اتفاق می افتد، ما بلافاصله یک دوربین را در جعبه ای بسته بندی کنیم و برای آنها بفرستیم که بتوانند کار فیلمبرداری را انجام دهند.»

چهار سال پیش، کمک های بلاعوض یونسکو صرف خرید دوربین های ویدئویی دیجیتال حرفه ای و مجموعه اجزای ویرایشگری آنها شد تا مرکز فرهنگی بتواند اسنادی را با کیفیت پخش خوب، تهیه کند. رگن وانو می گوید: «تمام تأکید ما آرشیوهای است. ما اکنون به مرحله ای از توسعه کشورمان رسیده ایم که نیازمند منعکس کردن این موضوعات به مردم هستیم تا آگاهی آنها را درباره فرهنگ بالا ببریم.»

مرکز فرهنگی در تلویزیون ملی، هر ماه دو بار، زمانی را برای بخش برنامه خود اختصاص می دهد و آمبونگ با بیش از بیست سال تجربه پخش رادیویی، یک برنامه هفتگی را نیز درباره فرهنگ با استفاده از موضوعات ضبط شده آرشیوها و مکالمات تلفنی مجریان و سایر جزیره نشینان تهیه می کند.

جیکوب کر، رئیس مرکز آرشیوهای دیداری - شنیداری و عکاس حرفه ای می گوید: «مردم در حال دور شدن از کستوم هستند، اما برنامه هایی که ما تهیه می کنیم، کمک می کنند تا آنها به طرف آن برگردند. از نظر من آینده درخشان است.»

وضعیت دشوار پورت ویلا

زندگی شهری در وانواتو، سنت‌ها را در برابر «پیشرفت» به سبک غربی بیرون می‌راند.

پورت ویلا، پایتخت وانواتو ممکن است به نظر شهری آرام و خواب‌آلوده به نظر بیاید اما هیچ چیز آن وضع درستی ندارد. بزهکاری پایه‌پای بی‌کاری در میان جوانان افزایش می‌یابد، بیماری‌های مقاربتی شیوع یافته‌اند و وقتی که زنان قربانی خشونت می‌شوند، امید اندکی به اجرای عدالت دارند. ویلا مکانی است که افراد جوینده کار را - که اغلب باید شهریه مدرسه بپردازند - از جزیره‌های خارج از وانواتو به خود جذب می‌کند. اما بعضی‌ها در نهایت هزینه گزاف‌تری را می‌پردازند و آن، از دست دادن فرهنگ سنتی‌شان است.

جیکوب کرر، رئیس واحد دیداری - شنیداری در مرکز فرهنگی وانواتو در ویلا، که به عنوان میانجی صلح برای مردم جزیره خودش، تانا، که در ویلا زندگی می‌کنند، کار می‌کند، می‌گوید: «وقتی که افراد از جزیره‌های دیگر به ویلا می‌آیند، سعی می‌کنند در کنار هم اقامت کنند، درست مثل روستا، اما ویلا زندگی آنها را عوض می‌کند، مردم خوب، پرخاشگر می‌شوند». در ویلا، جایی که شیوه‌های سنتی یا کستوم در برابر زرق و برق زندگی شهری کنار گذاشته می‌شوند، تضاد محسوسی به چشم می‌خورد. فرانک ۲۵ ساله که در مرکز درمان سرپایی بیماران مبتلا به ایدز در ویلا کار می‌کند - این مرکز توسط گروه تئاتر جامعه ون اسمولبگ تأسیس شده است - محصول این تضاد است. او می‌گوید: «جوانان نمی‌خواهند از عقاید قدیمی پیروی کنند. نمی‌خواهند به رؤسا گوش دهند. ترجیح می‌دهند مدرسه را تمام کنند و به کاری مشغول شوند». با وجود این، او عقیده دارد «زندگی در جزیره‌ها بهتر است، زیرا شخص آزاد است به هر جا که بخواهد برود و همیشه غذا وجود دارد؛ اما در اینجا اگر کسی یک نارگیل بخواهد، باید آن را بخرد» و در ویلا، کار و در نتیجه پول همیشه وجود ندارد.

در فرهنگ دو رگه ویلا نیز تضاد در حال رشد است. در ویلا، ناکامال سنتی بسیار مقدس، محلی که در آن مردان در هنگام غروب دور هم جمع می‌شوند تا کاوا بنوشند، به نوعی مکان عمومی تبدیل شده است که مردان و زنان بعد از یک کار دشوار روزانه در آنجا رفع خستگی می‌کنند و گونه‌ای از مراسم سنتی را انجام می‌دهند.

اما، کستوم در ویلا باقی می‌ماند. در اجرای عدالت برای حل اختلافات شهری مثل دزدی، ضرورتاً از روش سنتی استفاده می‌شود. دادگاه‌هایی معروف به «کستوم» وجود دارند که در آنجا هر کدام از طرفین دعوا، به دیگری چیزهایی مثل خوک و یا حصیر اهدا می‌کند و با یکدیگر دست می‌دهند. جیکوب می‌گوید: «سپس ما در همان روز کاوا می‌نوشیم و گپ می‌زنیم، مثل اینکه اصلاً مشکلی وجود نداشته است؛ ولی اگر این مشکل از طریق کستوم حل نشود، آنها همیشه دشمن باقی می‌مانند».

جایی که پلیس نمی‌تواند برود

براساس بررسی انجام شده توسط طرح جوانان مرکز فرهنگی، جوانان ترجیح می‌دهند در دادگاه‌های کستوم محاکمه شوند، چون پلیس به خشونت مشهور است. جیکوب می‌گوید: «وقتی که بین جوامعی از جزیره‌های مختلف دعوا درمی‌گیرد - اغلب بر سر زنان یا زمین - می‌تواند گروه‌های بزرگ را درگیر کند و پلیس نمی‌تواند این نوع مشاجرات را فرو نشانند. تنها، رؤسای قبایل هستند که می‌توانند مشاجراتی از این دست را متوقف سازند».

در بعضی از موارد، دادگاه کستوم تصمیم می‌گیرد یک جوان خطاکار را به جزیره بومی خود برگرداند، اما بازگشت همیشه آسان نیست. بوزن ناپو که در تانا زندگی سنتی دارد می‌گوید: «آنها کستوم را از یاد می‌برند و جایگاه خود را در اینجا فراموش می‌کنند. از نظر ما آنان مرده‌اند. از جزیره می‌روند و برمی‌گردند و نمی‌دانند چگونه مراسم سنتی را انجام دهند، خوک یا سیب‌زمینی هندی ندارند. مردم می‌خندند و می‌گویند شما سال‌ها در ویلا زندگی کرده‌اید، اما برای خرید یک خوک باید همه پولتان را بدهید، پس چه چیزی را به دست آورده‌اید؟».

پیتر کولز

آموزش یا بیگانگی

نظام آموزشی وانواتو، کودکان را از زبان و فرهنگ بومی خود دور می‌کند. یک طرح جدید، برای دگرگون ساختن این وضع و استفاده از مدرسه برای تقویت هر دو مورد مذکور در تلاش است.

رالف رگن وانو، مدیر مرکز فرهنگی وانواتو هنگامی که صحبت از نظام آموزشی کشور به میان می‌آید، بی‌پرده سخن می‌گوید: «مدرسه یکی از عوامل اصلی ممانعت از انتقال فرهنگ است. ما می‌خواهیم آموزش، متناسب با نیازهای جامعه و نیازهای کودکان باشد، تا آنها در جامعه خویشتن احساس توانمندی کنند و حس بیگانگی به آنها دست ندهد». به این دلیل است که مراکز فرهنگی و بعضی از سازمان‌های غیردولتی به وزارت آموزش و پرورش کمک می‌کنند تا در برنامه تحصیلی تغییرات بنیادی ایجاد نماید.

رگن وانو می‌گوید: «فعلاً در وانواتو دوره ابتدایی به شیوه محلی تدریس می‌شود، اما مطالب به زبان انگلیسی یا فرانسه است و اغلب موضوع دروس از زندگی روزمره آنها بسیار دور است. حدود بیست درصد از کودکانی که در امتحان ورودی پذیرفته می‌شوند، می‌توانند به دوره راهنمایی بروند، که آن هم در جزیره‌ای دیگر و صدها کیلومتر دور از خانه امکان‌پذیر می‌شود.

ضربه نهایی به زندگی سنتی هنگامی وارد می‌شود که والدین نیز به دنبال کار به یک شهر مثل پورت ویلا، در جزیره افیت، یا لوگانویل، در سانتو بروند تا بتوانند شهریه مدرسه را بپردازند. رگن وانو می‌گوید: «اگر چه داشتن تحصیلات دانشگاهی می‌تواند به یک جوان کمک کند تا کار خوبی پیدا کند، اما کمتر از دو درصد از آنان به دانشگاه می‌روند، بنابراین، اکثریت به خارج از این نظام رانده می‌شوند». خانواده‌های زیادی که برای پرداخت هزینه تحصیل فرزندانشان از همه چیز دست کشیده‌اند و دیگر توان بازگشت به وطن خود را ندارند، در خانه‌های محقر اطراف ویلا ساکن شده‌اند. راهگشای برنامه تحصیلی جدید، که در زمره سیاست‌های دولت برای سال اول آموزش ابتدایی در مناطق روستایی است، تدریس به زبان بومی می‌باشد. رگن وانو می‌گوید: «بهترین وسیله برای سوادآموزی، استفاده از زبان خودتان است». او می‌افزاید: «با وجودی که مرکز فرهنگی از دهه ۸۰ برای این منظور تلاش کرده بود، پس از یک بررسی ملی، این فکر فقط با حمایت بانک جهانی عملی شد».

او توضیح می‌دهد: «وانواتو به داشتن بیشترین تنوع زبانی افتخار می‌کند (حدود یکصدوشش زبان برای جمعیتی در حدود دویست هزار نفر)». بیش از هشتاد زبان هنوز کاملاً زنده هستند، در حالی که هفده زبان در معرض خطر قرار دارند و هشت زبان خاموش شده‌اند. مالاکولا به تنهایی برای جمعیتی حدود هجده هزار نفر، سی و چهار زبان دارد. بسیاری از مردم به سه یا حتی هفت زبان بومی صحبت می‌کنند. قبل از اینکه مواد درسی تهیه شوند، باید این زبان‌های بومی مکتوب گردند و یک املا می‌عیار برای آنها تنظیم شود. رگن وانو می‌گوید: «تاکنون این کار در مورد شانزده زبان انجام شده است. مواد درسی که ما برای هر یک از این شانزده زبان - شامل سه کتاب: الفبا، پرندگان و ماهی‌ها - تهیه کردیم، به موضوعات ابتدایی مربوط می‌شود».

وی امیدوار است که مواد آموزشی حداقل به چهل زبان در دسترس قرار گیرد. او می‌گوید: «بعضی از زبان‌ها در حال خاموش شدن هستند، این اجتناب‌ناپذیر است. در حال حاضر تأکید بیشتر بر مکتوب کردن آنها برای نسل آتی است. همان‌گونه که زندگی سنتی بر مبنای تقویم فصلی شکل می‌گیرد، برنامه درسی نیز بر اساس آن تنظیم خواهد شد».

رگن وانو می‌افزاید: «هر سال، پنج مدرسه جدید برای شروع برنامه بومی برای سال اول انتخاب می‌شوند. تاکنون بیست تا سی مدرسه آن را اجرا کرده‌اند. سیاست وزارت آموزش و پرورش این است که این برنامه در عرض چند سال به طور کامل اجرا شود». در نهایت هدف، استفاده از این برنامه برای دو سال اول ابتدایی و نهایتاً سه سال اول این دوره است.

در حال حاضر، مرکز فرهنگی با همکاری برنامه نظام‌های دانش بومی و محلی یونسکو (LINKS)، در حال تهیه یک برنامه درسی بومی علمی برای دبیرستان‌هاست، که نمونه‌های ملموسی از دانش سنتی مثل نظام آبیاری گیاه گوش‌فیل، حفظ گونه‌های گیاهی، پیش‌بینی وضعیت جوی یا نوع خاصی از تور ماهیگیری بی‌حس‌کننده ماهی را به کار خواهد برد. رگن وانو می‌گوید: «ما تحقیقات زیادی را انجام داده ایم و حالا فکر می‌کنیم که می‌توانیم آن را به خطمشی تبدیل کنیم».

میراث طبیعی و فرهنگی جزایر

از دهه ۷۰، یونسکو جزیره‌ها و تعدادی از جایگاه‌های آنها را در فهرست میراث جهانی فرهنگی و طبیعی وارد کرده و اخیراً بعضی از آیین‌ها و آثار فرهنگی را به عنوان میراث معنوی به ثبت رسانده است. در عین حال، تعدادی از جزیره‌ها به دلیل تنوع زیستی فراوانشان، مکان‌هایی برای برنامه حفاظت شده زیست کره MAB هستند.

- | | |
|---|---|
| گینه بیسائو
Boloma-Bijagós .۱۷ | ذخیره گاه‌های زیست‌سپهری |
| هند
Gulf of Mannar .۱۸ | استرالیا
Macquarie Island .۱
Morning Peninsula .۲
and western Port |
| اندونزی
Komodo .۱۹
Siberut .۲۰ | برزیل
Mata Atlântica .۳
(including Sao Paulo
Green Belt) |
| ایرلند
North Bull Island .۲۱ | کانادا
Clayoquot Sound .۴
Southwest Nova .۵
Thousand islands – Frontenac Arch .۶ |
| ایتالیا
Tuscan Islands .۲۲ | شیلی
Juan Fernández .۷ |
| ژاپن
Yakushima Island .۲۳ | چین
Nanji Islans .۸ |
| ماداگاسکار
Mananara Nord .۲۴
Sahamalaza-lles Radama .۲۵ | کلمبیا
Seaflower .۹ |
| مکزیک
Alto Golfo de California .۲۶
Islas del Golfo de California .۲۷
Banco Chinchorroo .۲۸ | آکوادور
۱۰. Archipiélago de Colon (Galápagos) |
| هلند
Waddensea Area .۲۹ | استونی
West Estonian Archipelago .۱۱ |
| فیلیپین
Palawan .۳۰ | فنلاند
Archipelago Sea Area .۱۲ |
| جمهوری کره
Jeju Island .۳۱ | فرانسه
۱۳. Tuomotu (Atoll de Taiaro)
Iroise .۱۴
Archipel de la Guadeloupe .۱۵ |
| فدراسیون روسیه
Commander Islands .۳۲
Far East Marine .۳۳ | آلمان
Rügen .۱۶ |
| آفریقای جنوبی
Cape West Coast .۳۴ | |

- آفریقای جنوبی
Robben Island .۷۳
- اسپانیا
Ibiza, Biodiversity and Culture .۷۴
- انگلستان
St Kilda .۷۵
Henderson Island .۷۶
Gough Island Wildlife Reserve .۷۷
- ویتنام
Ha Long Bay .۷۸
شاهکارهای میراث معنوی
- کوبا
La Tumba Francesa, Music of the Oriente Brotherhood .۷۹
- جمهوری دومینیکن
The Cultural Space of the Brotherhood of the Holy Spirit of the Congos of Villa Mella .۸۰
- جامایکا
The Maroon Heritage of Moore Town .۸۱
- تونگا
Lakalaka, Dances and Sung Speeches from Tonga .۸۲
- وانواتو
Vanuatu Sand Drawings .۸۳
- شبکه جهانی مناطق حفاظت شده زیست کره:
www.unesco.org
mab/wnbr.htm
- شاهکارهای میراث معنوی و شفاهی بشر:
www.unesco.org/culture
- فهرست میراث جهانی:
Whc.unesco.org
- شیلی
Rapa Nui National Park .۵۶
- کاستاریکا
Cocos Island National Park .۵۷
- اکوادور
Galápagos Islands .۵۸
- گامبیا
James Island and Related Sites .۵۹
- آلمان
Monastic Island of Reichenau .۶۰
- اندونزی
Komodo National Park .۶۱
- ایتالیا
Venice and its Lagoon .۶۲
۶۳. Pontovenere, Cinque Terre and the Islands (Palmaria, Tino and Tinetto)
۶۴. Isole Eolie (Aeolian Islands)
- ژاپن
Yakushima .۶۵
- موزامبیک
Island of Mozambique .۶۶
- نیوزیلند
New Zealand Sub-Antarctic Islands .۶۷
- فدراسیون روسیه
Cultural and Historic Ensemble of the Solovetsky Islands .۶۸
- سنگال
Island of Gorée .۶۹
Island of Saint-Louis .۷۰
- سیشل
Aldabra Atoll .۷۱
- جزایر سلیمان
East Rennell .۷۲
- اسپانیا
La Palma .۳۵
Lanzarote .۳۶
Menorca .۳۷
Isla de El Hierro .۳۸
- تونس
Iles Zembra et Zembretta .۳۹
- انگلستان
Loch Druidibeg .۴۰
- ایالات متحده آمریکا
Aleutian Islands .۴۱
Channel Islands .۴۲
Virgin Islands .۴۳
Hawaiian Islands .۴۴
Isle Royale .۴۵
Glacier Bay .۴۶
Admiralty Island
- ویتنام
Can Gio .۴۷
Mangrove
- یمن
Socotra .۴۸
Archipelago
- جایگاه‌های میراث جهانی استرالیا
Lord Howe Island Group .۴۹
Shark Bay, Western Australia .۵۰
Fraser Island .۵۱
Heard and McDonald Islands .۵۲
Macquarie Island .۵۳
- برزیل
Brazilian Atlantic Islands: Fernando de Noronha and Atol das Rocas Reserves .۵۴
- کانادا
SGaang Gwaii (Anthony Island) .۵۵

تحقیق: خوزه بناگ

مرجان، سیمان و جلبک دریایی

در مورد استخراج مرجان زنده، گاهی عقاید قدیمی مبنی بر وجود حیات در اجسام طبیعی می‌تواند در تعداد وجود نگهبانان تأثیرگذار باشد. لاندائو می‌گوید: «صخره دریایی روح خودش را دارد»؛ او می‌گوید: «در گذشته، مردی هنگامی که از استخراج مرجان برمی‌گشت با عذاب غش کرد و مُرد. روح صخره دریایی از او انتقام گرفت چون او مرجان استخراج کرده بود، اما این امر ما را از برگشتن به همان صخره باز نداشت».

جلبک دریایی، وسیله‌ای برای نجات

در این میان، بعضی از جزیره‌نشینان، استخراج مرجان را رها کرده و به پرورش جلبک دریایی روی آورده‌اند. اما در مورد هارودو، که یک استخراج‌کننده مرجان از روستای آمبله‌اواست، ظاهراً انگیزه اقتصادی قوی‌تر از ترس از نگهبانان می‌باشد. او می‌گوید: «من استخراج مرجان را ده سال پیش شروع کردم، زمانی که در این زمینه خیلی فعال بودم در هر سفر، یک مترمکعب مرجان استخراج می‌کردم و از نگهبانان و محققان پارک آبی هم نمی‌ترسیدم، گاهی مرجان‌ها را در نزدیکی ایستگاه تحقیقاتی آبی استخراج می‌کردم؛ اما این روزها جلبک دریایی پرورش می‌دهم و فقط گاه‌گاهی برای استفاده شخصی به استخراج مرجان می‌پردازم». در واقع، بوی تند جلبک دریایی که انبوهی از آن در ورودی خانه هارودو، روی یک میز چوبی گذاشته شده است تا خشک شود، به بازدیدکننده خوشامد می‌گوید.

در پنج سال گذشته، پرورش جلبک دریایی در پارک دریایی واکاتوبی افزایش یافته است و هر دو ماه یکبار برداشت می‌شود. در طول فصل‌های پر باران (از دسامبر تا مارس)، آنها می‌توانند هزار کیلوگرم جلبک دریایی برداشت کنند، این برداشت در فصل‌های خشک سیصد کیلوگرم است که آن را کیلویی سه هزار و صد روپیه می‌فروشند. هارودو می‌گوید: با وجودی که بهای مرجان در طول دو سال گذشته دو برابر شده، اما هنوز هم کمتر از درآمد او از طریق جلبک دریایی است. ضمناً استخراج مرجان کار مشکل‌تری است. هزینه راه‌اندازی یک مزرعه جلبک دریایی - حدود یکصد دلار آمریکا یا بیشتر - خارج از استطاعت بیشتر جزیره‌نشینان است. اداره شیلات اندونزی پرداخت وام را آغاز کرده، اما تاکنون فقط به ایجاد چند مزرعه جلبک دریایی کمک کرده است.

با وجود این تغییرات، جزیره‌نشینان نمی‌توانند خانه‌هایشان را روی جلبک دریایی بسازند. بیشتر آنها طرز استفاده از سیمان را نمی‌دانند و در جزیره، کامیونی نیست که سنگ معدن را حمل کند. در حال حاضر، وجود این مسائل انکارناپذیر، اجازه حق انتخاب چندانی را به جایگزینی برای مرجان نمی‌دهد.

جسیکا ها پکیلا

تطبیق دادن حفاظت محیط‌زیست با نیازهای جوامع فقیر که در گروه صخره‌های دریایی است، کار ساده‌ای نیست.

لاندائو شصت ساله، خودش را با کمک بازوهای ماهیچه‌ای‌اش سینه‌خیز روی ایوان خانه می‌کشد. او دوازده سال پیش، در طی وقوع یک حادثه، هر دو پایش را از دست داد. اگرچه باورکردنش مشکل است، اما او برای زنده ماندن، از صخره دریایی لانگیرا در اطراف جزیره اندونزیایی کاله دوپا - محل زندگی‌اش - مرجان استخراج می‌کند. هر روز هنگام شروع کار، همسرش پندی، باید به او کمک کند تا سوار قایق شود؛ ولی طی چند هفته گذشته، قایق او به دلیل سوراخ شدن بدنه از آب بیرون ماند و آنها مجبور شدند با جمع‌آوری خرچنگ خوراکی از آب‌های کم‌عمق اطراف روستا، اموراتشان را بگذرانند و مازاد خوراکشان را به فروش برسانند. فرزندان آنها مدت‌ها پیش، خانه را برای کار کردن در یک کشتی ماهیگیری در مالزی، جایی که سطح حقوق‌ها خیلی بالاتر است، ترک کردند.

لاندائو می‌گوید: «من معمولاً دو یا سه بار در هفته مرجان استخراج می‌کنم و یک قایق پر از مرجان به خانه می‌آورم. بیشتر این مرجان‌ها در جزیره به عنوان مصالح ساختمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند». او توضیح می‌دهد، هنگامی که لازم شد خانه‌ام را پی‌ریزی کنم، شروع به استخراج مرجان کردم و حالا مقداری از مرجان‌ها را به روستای مجاور نیز می‌فروشم. میانگین بهای فروش مستقیم از قایق، حدود چهار هزار روپیه برای هر مترمکعب است.

بیشتر خانه‌ها در روستای او روی آب و بر ستون‌های مرجانی یا چوبی به ارتفاع سه متر ساخته می‌شوند. جمعیت هزار نفره این روستا در سیصد خانه زندگی می‌کنند که این امر نشان‌دهنده وجود مقدار زیاد مرجان است. در ضمن، جمعیت این روستا همچنان رو به افزایش می‌باشد. لاندائو می‌گوید: «دلم می‌خواهد از سیمان استفاده کنم، ولی نمی‌دانم چطور آن را درست کنم؛ به هر حال مرجان هزینه‌ای در بر ندارد». در ۱۹۹۵، هنگامی که کاله دوپا بخشی از پارک آبی واکاتوبی شد، برای پارک نگهبانان محلی استخدام کردند تا از استخراج مرجان جلوگیری به عمل آورند و به جزیره‌نشینانها تعلیم دهند که چگونه از سیمان یا سنگ به دست آمده از مرکز جزیره استفاده کنند. جوفری، یکی از نگهبانان در حالی که روی یک نیمکت سوراخ شده می‌نشیند و سیگاری آتش می‌زند و دودش را بیرون می‌دهد، می‌گوید: «پیام ما این است که مرجان زنده را استخراج نکنید، چون خانه ماهی‌هاست! ما ترجیح می‌دهیم به جای تنبیه کردن، به افراد آموزش دهیم». جوفری و همکارش اودی، جزو گروه بیست نفره نگهبانان پارک واکاتوبی هستند که یک بار در روز با قایق‌های سریع‌السیر، صخره‌های دریایی را پاسداری می‌کنند. اودی می‌گوید: «ما هر روز کسانی را که مرجان استخراج می‌کنند، می‌بینیم».

این پیام، کم‌کم تأثیر می‌گذارد. لاندائو می‌گوید: «من سابقاً مرجان زنده استخراج می‌کردم، اما حالا می‌دانم که این کار، صخره‌های دریایی را رو به تحلیل می‌برد و موجب از بین رفتن سوراخ‌هایی می‌شود که ماهی‌ها از آنها به عنوان خانه استفاده می‌کنند؛ بنابراین، من این روزها فقط مرجان مرده یا سنگ‌های مرجانی را استخراج می‌کنم». اما شمار اندکی از جزیره‌نشینانها می‌دانند که استخراج مرجان مرده نیز در پارک آبی یاد شده ممنوع است. نگهبان اودی می‌گوید: «ما بیشتر بر ممنوعیت استخراج مرجان زنده تأکید می‌کنیم و اغلب کسانی را که در حال استخراج مرجان مرده هستند، نادیده می‌گیریم، جریمه متخلفان زیاد سنگین نیست و فقط منحصر به یک هشدار است، در حالی که مجازات ماهیگیری غیرقانونی، زندان می‌باشد».

گردشگری: مشکل یا راه حل؟

برای بعضی از کشورهای جزیره‌ای در حال توسعه، درآمد حاصل از گردشگری بیش از نیمی از درآمد حاصل ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد. اما چه قیمتی؟ گردشگری بین‌المللی در کشورهای کوچک جزیره‌ای در حال توسعه (۲۰۰۲)

درآمد ناخالص ملی (به میلیون دلار آمریکا)	مبلغ دریافتی گردشگری بین‌المللی (به میلیون دلار آمریکا)	تعداد گردشگران در مقیاس هزار	
۸۶/۹۶۹	۴/۹۳۲	۶/۹۹۶	سنگاپور
۲۲/۰۳۹	۲/۷۳۶	۲/۸۱۱	جمهوری دومینیکن
۷/۹۳۳	۶۳۰	۲/۷۸۹	بحرین*
۱۰/۱۲۵	۲/۰۸۳	۲/۴۱۸	قبرس
...	۱/۶۳۳	۱/۶۵۶	کوبا
۴/۹۱۷	۱/۶۳۶	۱/۵۳۸	باهاماس
۷/۷۰۱	۱/۲۰۹	۱/۲۶۶	جامایکا
۳/۸۷۰	۶۳۶	۱/۱۳۴	مالتا
۴/۵۶۳	۶۱۲	۶۸۲	موریس
...	۸۹۸	۶۴۳	آروبا
...	۱/۲۴۰	۵۵۳	جزایر ویرجین
۲/۴۵۶	۶۸۷	۵۰۷	ایالات متحده آمریکا
۶۳۹	۳۱۸	۴۸۵	باربادوس*
۱/۸۲۸	۲۶۷	۳۹۸	مالدیو
۹/۱۴۶	۲۰۱	۳۸۳	فیجی
۶۶۰	۲۵۶	۲۵۳	ترینیداد و توباگو*
۶۶۵	۲۹۰	۲۳۷	سنت لوسیا
...	۲۷۳	۲۱۸	آنتیگوا و باربودا**
۳/۶۹۳	۵۴	۱۴۲	آنتیل هلند (کوراچائو)
۶۹۸	۱۳۰	۱۳۲	هایی تی*
۴۱۴	۸۴	۱۳۲	شیشلز
۶۱۸	...	۱۲۶	گرانادا
۲۶۵	۴۵	۸۹	کیپ ورد
۳۶۱	۸۱	۷۸	ساموآ
...	۴۶	۷۳	سنت وینسنت و گرنادینز
۳۵۶	۵۷	۶۸	جزایر کوک
۲۵۴	۳۶	۶۷	سنت کیتس و نویس
۱۳۰	۵۹	۵۹	دومینیکا
۲/۹۱۹	۱۰۱	۵۴	پالائو
۲۱۹	۴۶	۵۳	پاپوا گینه نو
۱۳۶	۹	۳۷	وانواتو*
۲۰۴	۱۵	۲۴	تونگا
۳۳۶	...	۲۱	کوموروس**
...	جزایر سلیمان***
۲۳۰	۱۳	۱۵	ایالت‌های فدراتیو
۴۸	۸	۸	میکرونسیا*
۱۰۸	۴	۶	سائوتومه و پرن سیپ*
۴۷	۳	۵	جزایر مارشال
...	...	۲	کیریباتی*
...	...	۱	نیوئه
...	...	۱	توالو

... هیچ داده‌ای در دسترس نیست.

*: داده مربوط به ۲۰۰۱: داده مربوط به ۲۰۰۰: داده مربوط به ۱۹۹۹

منبع: سازمان جهانی گردشگری صندوق جهانی پول، www.world-tourism.org

بانک جهانی، www.imf.org www.worldbank.org به دلیل نبود داده‌های مربوط، این دو کشور جزیره‌ای کوچک در حال توسعه:

آنتیل: باقی مانده یادگارهای حماسی

این متن، گزیده‌ای از سخنرانی درک و الکوت، شاعر اهل «سنت لوسین»، هنگام دریافت جایزه نوبل در هفتم دسامبر ۱۹۹۲ است. او ضمن گرامیداشت موطنش سرزمین آنتیل، نشان می‌دهد که چگونه گردشگر بدون برنامه، ممکن است فرصت بازدید تمام دیدنی‌های مهم آنتیل را از دست بدهد.

تاریخ در جغرافیای آنتیلیایی مستتر است. دریا از غرق شدن مردمان گذرگاه میانی و نیز از کشتار بومی‌های خود در مناطق کاریب، آرواک و تانیو، آه می‌کشد و خون خود را با سرخ‌گونگی جاودانی نثار می‌کند و حتی لغزش موج بر شن‌ها یا نیزه‌های خیزران که چون زندانی سبز، و مانند آسیایی‌های به خدمت گرفته شده - افرادی که گویی همچنان در حال گذران دوران محکومیت خود هستند - به نظر می‌رسد، هیچ یک نمی‌تواند چیزی را از حافظه آفریقایی پاک کند.

اینها چیزهایی هستند که من از کودکی، از آغاز شعر که زیبایی تلاش است در اطراف خود مرور کرده‌ام. در اندوه چوب‌برها، در چهره مردان آغشته به صمغ، کسانی که زغال چوب می‌سوزانند، در مردی با قمه‌ای لمیده بر ساعد که به همراه یک سگ معمولی خاکی رنگ بی‌اصل و نسب، در آستانه در ایستاده است، در لباس‌های اضافی‌ای که امروز صبح پوشید، وقتی که هوا سرد بود و در تاریکی صبحگاه می‌خواست برود تا باغش را بر آن بلندی‌ها بسازد؛ آن بلندی‌ها، آن باغی که فرسنگ‌ها دور از خانه است، اما در جایی است که زمین خود واقع شده است. دیگر از ماهیگیران چیزی نمی‌گویم، از نوکران سوار بر واگن حمل بار که ناله‌شان به آسمان است، همه اینها در اصل پاره‌های آفریقا هستند که اکنون در زندگی این جزیره شکل گرفته، تحکیم یافته و ریشه دوانده‌اند و همچون برگ درختان بی‌سوادند. آنها خواندن نمی‌دانند، اما هستند تا خوانده شوند و اگر چنانچه خوب خوانده شوند، ادبیات خودشان را می‌آفرینند.

اما در بروشورهای توریستی مان، ناحیه کاراییب مانند یک استخر آبی‌رنگ است که جمهوری آنتیل از پای دراز فلوریدا آویزان شده است، در این استخر آبی، آنتیل مانند لاستیک بادکرده‌ای است که روی سطح آب بالا و پایین می‌رود؛ و بدین‌گونه است که این جزیره‌ها با شرمندگی ناشی از احتیاج مواجه‌اند. این، فرسایش فصلی هویت آنهاست. همان تکرار بی‌پایان خدماتی که نمی‌توانند یک جزیره را از جزیره دیگر متمایز سازند، خدماتی که هیچ آینده‌ای را برای جزیره‌ها به همراه ندارند، جز بندرگاه‌های تفریحی، معاملات زمین به وسیله وزیران و موارد بسیار دیگری که در کنار نوای خوش موسیقی و دلنشینی یک لبخند، جریان دارند. پس بهشت زمینی مهمانان ما چیست؟ دو هفته بدون باران همراه با برنزه شدن و هنگام غروب، حضور نوازندگان دوره‌گرد محلی با کلاه‌های حصیری و پیراهن‌های گلدار تا آوازهای «پرنده زرد» و «سرود قایق موز» را تا سرحد مرگ بنوازند. در آنجا سرزمینی گسترده‌تر از این وجود دارد - گسترده‌تر از محدوده‌ای که در نقشه یک جزیره آمده است - و آن دریای بی‌انتهای و خاطره‌هایی است که به یاد دارد.

تمامی آنتیل، هر جزیره آن، کوشش حافظه است. هر ذهن، هر سرگذشت‌نامه نژادی در فراموشی و غبار زمان اوج می‌گیرد. تکه‌های آفتاب، از میان مه و قوس و قزح، رنگین‌کمان‌های ناگهانی و کار و تلاش. تخیل آنتیلی همین است؛ بازسازی خدایان خویش از ساقه‌های خیزران، بندبند و عبارت به عبارت.

درک و الکوت

شناختن ایدز در کاراییب

شن‌های سفید سواحل، گیاهان و جانوران لوکس، مناظر زیبای آتش‌فشانی و مردم با محبت، آرام و خوشگذران. بله این کاراییب است مظهری از بهشت؛ اما در این بهشت همه چیز بر وفق مراد نیست.

امروز در پورتلند (جامایکا) باران می‌بارد. الیزابت در یک خانهٔ مخروبهٔ دو اتاقه در خلیج هُپ، در گوشه‌ای چمباتمه زده است تا آب باران که از سقف چکه می‌کند، رویش نریزد. امشب هیچ‌کس نمی‌تواند در این اتاق درهم و برهم بخوابد. یکی از بستگان الیزابت، کمی بعد از تشخیص بیماری او به همسایه‌ها گفته بود، الیزابت از ۲۰۰۱ که مشخص شد اچ‌آی‌وی دارد، برای مبارزه با این بیماری اوقات سختی را گذرانده است. الیزابت با بغض می‌گوید: «از آن موقع همه مرا طرد کرده‌اند و برایم احترام قائل نمی‌شوند، برای فرزندانم باعث دردسر شده‌ام؛ چون در مدرسه آنها را اذیت می‌کنند. تنها درآمد من از خیاطی بود، ولی از وقتی که بیمار شده‌ام مشتری‌هایم به تدریج مرا ترک کرده‌اند. صاحبخانه‌ام به من اخطار داده و در ژوئن ۲۰۰۳ آب، و از ماه جولای، برق خانه‌ام را قطع کرده است. قطعه زمینی به من داده شد که در آن زندگی کنم، اما چون بیماری ایدز دارم، بعضی از همسایه‌ها نمی‌خواهند من آنجا باشم». الیزابت یکی از بیست و دو هزار نفر مبتلا به بیماری ایدز است که در جامایکا، جایی که ۲/۶ میلیون نفر جمعیت دارد زندگی می‌کند. در کاراییب با جمعیتی بالغ بر ۳۸/۷ میلیون نفر، تعداد این بیماران پانصد و نود هزار نفر برآورد شده است، که از نظر بالا بودن مبتلا به آن، بعد از صحرای سفلی در آفریقا است. در دو دههٔ گذشته، بیماری ایدز به طور جدی در سراسر کاراییب شیوع پیدا کرد. براساس برآورد برنامهٔ مشترک سازمان ملل متحد در مورد ایدز (UNAIDS) در ۲۰۰۳، حدود هشتاد هزار نفر آلوده شدند و پنجاه هزار نفر بر اثر این بیماری جان سپردند. بسیاری از کشورهای ناحیهٔ کاراییب، برنامه‌های پیشگیری از ایدز را از قبل داشته‌اند. قوانین در بعضی از این کشورها، اچ‌آی‌وی را جزو بیماری‌هایی به شمار آورده‌اند که می‌بایست گزارش شوند (جامایکا، سنت‌لوسیا، بلیز و گویان). در جمهوری دومینیکن، قانون حقوق افراد آلوده به اچ‌آی‌وی را مشخص می‌کند. ضمناً در جامایکا، باهاما، برمودا و باربادوس، تدوین برنامه‌های پیشگیری انتقال این بیماری از مادر به فرزند به خوبی پیش می‌رود.

پاتریشیا واتسون

فشارهای اجتماعی‌ای که زنان و دختران را در معرض خطر قرار می‌دهند
در ترینیداد و توباگو، گزارش وزارت بهداشت در ۱۹۹۹، نسبت مؤنث به مذکر را در میان موارد مبتلا به بیماری اچ‌آی‌وی در گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال، هفت بر یک نشان می‌دهد. در جامایکا نیز وضعیت مشابهی وجود دارد، در آنجا دختران در گروه سنی مشابه، ۲/۵ برابر پسران به اچ‌آی‌وی آلوده شدند (وزارت بهداشت، جامایکا، ۲۰۰۳).
رابرت کار، مدیر اجرایی سازمان غیردولتی حمایت از ایدز جامایکا می‌گوید: «بسیاری از دختران جوان در تلهٔ آسیب‌پذیری ناشی از مبتلا به بیماری ایدز گرفتار شده‌اند. آنها در میان فرهنگی زندگی می‌کنند که مادری را ستایش می‌کند، اما میزان فقر و بی‌کاری آن بالاست. فرهنگ آنها رفتن به مدرسه را اجباری کرده، اما شرایط انجام این کار را فراهم نکرده است. این فرهنگ زنان و مادران را گرمی می‌دارد، اما اطلاعات و تجربهٔ لازم را برای رسیدن بی‌خطر به مقام مادری مهیا نکرده است.»

سفیران حسن نیت

حمایت از شاهکارهای میراث شفاهی و معنوی

دانش جنگل‌شناسی زفی مینری (ماداگاسکار)، اکنون یک حامی دارد که آن هم پاتریک بادری، فضانورد فرانسوی است. ضمناً دانشمند اهل مالی، چیک مودیو دوباره تصمیم گرفته است تا فرهنگ سوسو بالا را در نیاگاسولا (گینه) ارتقا دهد. ویگدیس فین بوگا دوتیر، رئیس‌جمهور سابق ایسلند، حامی فرهنگ کیهنو (استونی) است و شاهزاده فریال اردن از ترانه‌های صنعا (یمن) و موسیقی مقامی عراقی پشتیبانی می‌کند.

این شخصیت‌های پیشرو، از جمله سفیران حسن نیت یونسکو هستند که استعداد و شهرت بین‌المللی خود را در خدمت اهداف والای این سازمان قرار داده‌اند. در ۲۶ فوریه گذشته، این سفر در جلسه سالانه خود تصمیم گرفتند برای بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در مورد ارزش این میراث و تشویق دولت‌ها به پیروان گام‌های قانونی و اداری برای حفاظت آنها تلاش کنند و حمایت برخی از ۴۷ گونه این شاهکارها را برعهده گیرند. انتظار می‌رود فعالیت آنها سرمایه‌های لازم را برای تأمین مالی طرح‌های حفاظت افزایش دهد و دولت‌ها را به تأیید مجمع حفاظت که در همایش عمومی یونسکو در اکتبر ۲۰۰۳ به تصویب رسید، ترغیب نماید. دربانورد و دانشمند اسپانیایی، کیتین میونیز، به نوبه خود میدان جمع الفنا (مراکش) و معمار ایتالیایی، رنزو پیانو، نقاشی‌های روی شن وانواتویی (وانواتو) را انتخاب کرده است. کلودیا کاردیناله هنرپیشه ایتالیایی، نمایش عروسکی سیسیلی، اپرای دئی پوپی را برگزار می‌کند و هنرمند یونانی حامی هنر، ماریانا واردینیونیس به موسیقی مقامی آذربایجانی توجه می‌نماید. سفیر حسن نیت شیخ قسان آی. شاکر، در فعالیت‌هایی که به نفع فرهنگ منطقه بوی سون (ازبکستان) و حماسه الشیره الحلالیه (مصر) صورت می‌گیرد، مشارکت می‌کند. او برای این هدف، یکصد هزار دلار در اختیار مدیرکل یونسکو گذاشت.

برنامه پشتیبانی با ملحق شدن سفیران جدید و اعلام لیست جدید این میراث، گسترش خواهد یافت.

شرکا

مراکز یادگیری برای طرح صلح: داوطلبان جوان برای دنیایی بهتر تلاش می‌کنند

در نیمه دوم ۲۰۰۳، یازده داوطلب جوان از میان بیش از هزار متقاضی برگزیده شدند تا برای سازماندهی فعالیت‌های مختلف در زمینه‌های: حل اختلاف، آموزش صلح و حفاظت محیط‌زیست به مدت سه ماه در یک اقامتگاه مخصوص جوانان سکونت کنند. داوطلبان جوان از کانادا، شیلی، کرواسی، فرانسه، آلمان، مجارستان، کره، ژاپن، پرتغال، تایلند و ایالات متحده آمریکا در اقامتگاه‌های جوانان در استرالیا، برزیل، کاستاریکا، فرانسه، آلمان، فلسطین اشغالی، ایتالیا، ژاپن، ایرلند شمالی، تونس و ایالات متحده آمریکا مورد استقبال قرار گرفتند و برای قبول مسئولیت ویژه در دهه سازمان ملل متحد با موضوع صلح و عدم خشونت نسبت به کودکان جهان انتخاب شدند.

اقامت آنان، اولین گام برای برنامه صلح و تفاهم بین‌المللی بود که یونسکو و فدراسیون بین‌المللی اقامتگاه‌های جوانان (IYHF)، سازمانی فراگیر برای بیش از ۴۵۰۰ اقامتگاه جوانان و ده میلیون عضو در سراسر جهان، در پاییز ۲۰۰۳ در مورد پشتیبانی از آن به توافق رسیدند. داوطلب جوان در مورد اقامتش با اشتیاق می‌گفت: «این تجربه، واقعاً زندگی مرا دگرگون کرده است و من امیدوارم توانسته باشم بخشی از آنچه را که از این فرصت به دست آورده‌ام، اهدا کنم». این، نقل قولی از دلیله کاپانو اهل پرتغال است. دانایی و نگسا، اهل تایلند می‌گوید: «اقامت را در نیویورک در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۳، تا پایان زندگیم به خاطر خواهم داشت. اینکه انسان بتواند مشارکت کوچکی را در بازسازی صلح و تفاهم جهانی داشته باشد، افتخار بزرگی است». با این نخستین گام که در حال حاضر تحت ارزشیابی است، یونسکو و IYHF مشغول بررسی راه‌هایی هستند که بتوانند به توسعه برنامه صلح و به‌ویژه تفاهم بین‌المللی با مراکز یادگیری برای طرح صلح، طی چند سال آینده کمک کنند.

شرکا

هیولت پاکارد - از خشک مغزی تا باروری مغز

پایان دادن به خشک مغزی اروپای جنوب شرقی، هدف مشترک طرح یونسکو - هیولت پاکارد است که از فوریه سال ۲۰۰۴ با ارائه جدیدترین تجهیزات رایانه‌ای GRID به دانشگاه‌های بوسنی و هرزگوین، کرواسی و صربستان و مونته‌نگرو، وارد مرحله جدیدی گردید. هیولت پاکارد می‌گوید: «تجهیزات مذکور، به این دانشگاه‌ها امکان نصب شبکه‌هایی را برای آن دسته از هموطنان مقیم خارج از کشور می‌دهد که دانش‌دانشمندان آواره این کشورها را منتشر می‌کنند».

برآورد شده است که از ۱۹۹۰، حدود پانصد هزار نفر، صربستان و مونته‌نگرو را ترک کردند. دویست هزار نفر دیگر بعد از امضای توافقنامه صلح در ۱۹۹۵، بوسنی و هرزگوین را ترک نمودند؛ بیشتر این افراد ۲۵ تا ۴۰ ساله و دارای مدرک دانشگاهی در زمینه‌های تخصصی پرطرفدار هستند.

این طرح، اولین مورد از سلسله طرح‌هایی است که توسط یونسکو و هیولت پاکارد برنامه‌ریزی شده و اداره منطقه‌ای یونسکو برای علوم در اروپا (ROSTE) که مقر آن در ونیز (ایتالیا) است، آن را اجرا می‌کند.

زنان

پاکستانی‌های جوان، مردسالاری را به مبارزه می‌خوانند

دانشجویان، ساختارهای اجتماعی مردانه و زنانه و شیوه‌ای که مردان را نیز قربانی کلیشه‌ای شدن می‌کند، به مبارزه می‌طلبند. این موضوع در بسیاری از کشورها موجب تعجب نمی‌شود، اما در پاکستان - جایی که مرحله آزمایشی طرحی به نام مشارکت مردان در جست‌وجوی برابری جنسیتی در سال گذشته از سوی دفتر یونسکو در اسلام‌آباد و شرکت خصوصی زُزان به اجرا درآمد و اکنون کامل شده است - عملی انقلابی است.

مرحله نخست، شامل کارگاه‌های ایجاد انگیزه و طراحی‌های هنری و نویسندگی می‌شد. این کارگاه‌ها در اکتبر سال ۲۰۰۳ در چهار دانشگاه در پاکستان (پیشاور، کراچی، پنجاب و بلوچستان) با موضوع‌های اعتماد به نفس، مردسالاری، خشونت مبتنی بر جنسیت و مشارکت پسران و مردان در جست‌وجوی برابری برگزار شدند. شرکت‌کنندگان از نقش انطباق با جامعه در شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی آگاه شدند و به بررسی شیوه رسوخ نظام مردسالاری در اقصاء مختلف جامعه در آموزش، حقوق، اقتصاد، سیاست، رسانه‌ها و امور دولتی پرداختند. زنان شرکت‌کننده از اینکه مردان در موقعیت‌های خاصی احساس ضعف یا سردرگمی می‌کردند، متعجب شده بودند. بعضی از مردان جوان، از شنیدن گفت‌وگوهای کارگاه درباره وظیفه‌ای که در برابر نیازهای مالی نه تنها خانواده خود، بلکه در صورت لزوم والدین و خواهران مجردشان و همچنین تعهدی که نسبت به زنان خانواده دارند، اعتماد به نفس‌شان تقویت می‌شد.

هنرهای نظیر: طراحی پوستر، نقاشی، مقاله، داستان و شعر بخش‌هایی از طرحی بودند که دانشجویان دانشکده‌های هنرهای زیبا و ارتباطات درباره موضوع مشارکت مردان در ایجاد برابری جنسیتی به مرحله اجرا درمی‌آوردند.

بسیاری از هنرمندان، به بررسی موضوع‌هایی مانند: دسترسی به آموزش، جدایی زنان، گوشه‌گیری و نحوه لباس پوشیدن، رفتار نابرابر با کودکان به علت دختر یا پسر بودن و خشونت علیه زنان پرداختند. نویسندگان درباره تبعیض نوشتند و به بررسی این نکته پرداختند که اطلاع ناقص از اصول مذهبی و انحراف از قوانین اسلامی، چگونه خشونت نسبت به زنان را تقویت می‌کند.

کارهای انجام شده در سوم دسامبر سال ۲۰۰۳ در اسلام‌آباد به نیلوفر بختیار، مشاور نخست‌وزیر در امور زنان ارائه گردید و در مارس ۲۰۰۴ در کمیسیون یونسکو در امور زنان، به نمایش گذاشته شد.

زُزان که در ۱۹۹۸ ایجاد شد، خصوصاً در زمینه خشونت علیه زنان و کودکان کار می‌کند. ماریا رشید، مدیر زُزان توضیح می‌دهد، همه فعالیت‌های ما را مردان تقبل کرده‌اند. تجربه به ما نشان داده است که اجازه دادن به مردان تا اینکه احساسات و ترس‌هایشان را بروز دهند، امری حیاتی است و باعث می‌شود که آنان ساختار اجبارهای اجتماعی‌شان را بشکنند.

تالار هنرهای زیبای مدیترانه‌ای صنعتگران توسعه

هادابدیف، از آن دسته از زنانی نیست که در مورد خودش داد سخن دهد و سخنرانی نماید؛ با این وجود، این بافنده اهل ال گولیا (صحرای الجزایر) از پیشگامان است. تقریباً پانزده سال پیش، او به تنهایی بافتن فرش را برای فروش شروع کرد. امروز، بسیاری از زنان این آبادی وابسته به شرکت تعاونی او هستند که بخشی از شبکه زنان و توسعه در الجزایر (FEDA) است و یک مرکز آموزش تضمین می‌کند که زنان در آینده در این کار حرفه‌ای شوند.

در ماه مارس ۲۰۰۴، فرش‌های ال - گولیا، به عنوان بخشی از نمایشگاه سیار نقش‌ها و رنگ‌های مدیترانه‌ای که نشانگر صنایع دستی و هنر معاصر این منطقه است، در اداره مرکزی یونسکو به نمایش درآمد. در این نمایشگاه، لباس‌ها و کیف‌های گلدوزی شده در اردوگاه‌های لبنانی، کار زنان فلسطینی که هنر دوخت ضربدری را نسل به نسل منتقل کرده‌اند، مربا، عسل، ترشی ادویه‌دار از لبنان و یونان، تونیک خطاطی شده توسط یک طراح لبنانی، ظروف شیشه‌ای فرانسوی، چرم، جواهرات، نقاشی روی چوب، کار روی آهن و مسلماً فرش مراکش، مصر، ترکیه و تونس نیز به نمایش گذاشته شده بودند.

بانی و هدایت‌کننده این رویداد رنگین و پرتالو، هنرمند فعال یونانی به نام لی‌لا اسکاولی است که در ۱۹۹۲ تالار هنرهای زیبای مدیترانه‌ای (CBAM) را با شعار «توسعه برای پایدار بودن باید متکی بر تجلی فرهنگ محلی باشد و نیازهای مردم علاقه‌مند را برآورده سازد» زینت داد. CBAM برای زنان هنرمند، دوره‌های مدیریت و بازاریابی راه‌اندازی می‌کند و بررسی بی‌نظیری را در زمینه تاریخ و مفهوم طرح‌های سنتی (بافندگی، گلدوزی، نقاشی و کنده‌کاری) در نواحی مدیترانه‌ای هدایت می‌نماید.

CBAM در ۱۹۹۴، برنامه کالای توسعه فرهنگی را که یونسکو از ۲۰۰۲ آن را مورد حمایت قرار داده است، در چارچوب طرح یادگارهای فرهنگی و هنری اروپایی آغاز کرد. این سازمان در بخش هنرها، صنایع و طراحی، اقدام به حمایت قانونی قابل اتکا از کالاهای هنری در مدیترانه و مناطق دیگر جهان کرده است. یونسکو در این زمینه از برنامه‌های آزمایشی نشان برتری و هیچو امانو در آسیا و آمریکای لاتین پشتیبانی می‌کند.

باله نامرئی قاره‌ها

چهره در حال تغییر زمین
 خرد شدن Pangaea و توده‌های قاره‌ای طی ۲۵۰ میلیون سال گذشته در ده مرحله
 نوشته: برونو وری لینک و فیلیپ بوی سه
 ۳۲ ص، ۲۷ × ۲۱ سانتی‌متر
 ۱۶ یورو
 از انتشارات یونسکو

Commission de la carte
 géologique du monde

این مجموعه، نتیجه یک تحقیق علمی و یک راهنمای قابل فهم درباره تکامل سیاره ما در طول دو بیست و پنجاه میلیون سال است و برای تمام کسانی که در جهان شتابزده مدرن ما می‌خواهند خواننده داستانی باشند که با میلیون‌ها سال سروکار دارد، جالب خواهد بود.

نقطه آغاز این ماجرا، پراکنده شدن Pangaea (اولین قاره) است که منجر به پیدایش توده‌های قاره‌ای امروزی شد. بلافاصله چرخه‌ای جدید از پوسته‌های تازه تشکیل شده پدیدار شد که به هم نزدیک‌تر می‌شدند تا بار دیگر به یکدیگر بپیوندند. در مقدمه، شرح واضحی از این تغییرپذیری مداوم آمده و تأکید شده که زمین برخلاف مریخ و ناهید، یک سیاره زنده است که بخشی از انرژی درونی خود را تخلیه می‌کند.

این انرژی، باعث ایجاد حرکت‌هایی موسوم به جابه‌جایی می‌شود که بر جبهه زمین تأثیر می‌گذارند. این حرکت‌های مداوم باعث می‌شوند، سنگ گره یا قشر سخت زمین، به پوسته‌هایی تقسیم شود که به نوبه خود حرکت می‌کنند. این فرایند، به عنوان تغییر شکل ساختاری زمین شناخته شده، و یکی از دلایل اصلی وقوع زلزله و آتش‌فشان است. این واقعه به ده دوره متوالی تقسیم می‌شود. هر کدام از آنها با یک نقشه زمین‌شناختی ترسیم شده است که زمین را در یک زمان خاص نشان می‌دهد و به خوانندگان این امکان را می‌دهد که این نقشه‌ها را به آسانی از نظر زمانی طبقه‌بندی کنند. تفسیر ضمیمه شده، وقایع زمین‌شناختی مهم هر دوره را یادآوری می‌کند و تمام توضیحات مورد نیاز خواننده را در اختیار او قرار می‌دهد. یازدهمین و آخرین نقشه، وضعیت زمین‌شناختی کنونی و دوره‌های شکل‌گیری صخره‌ها را نشان می‌دهد. این بسته نرم‌افزاری با فرهنگ لغات فنی و یک CD - Rom که نصب آن آسان می‌باشد، همراه شده است تا تمام مواد داخل کتاب را ترسیم کند، ضمناً یک نقاشی متحرک در برنامه پاورپوینت نیز ضمیمه است.

راهنمای حقوق بشر، مؤسسات، معیارها، شیوه‌های کار

این کتاب، اطلاعات مختصری را دربارهٔ ابزارهای اصلی، شیوه‌های کار و سازوکارهای پاسداری از حقوق بشر، رویدادهای مهم (شامل: کنفرانس‌های بین‌المللی، دهه‌ها، سال‌ها، روزها و غیره) و همچنین مؤسساتی را که با موضوع حقوق بشر سروکار دارند، فراهم آورده است. این کتاب دارای ۶۰۰ مدخل است و برای افرادی که به حقوق بشر اهمیت می‌دهند و این موضوع برایشان جالب است، و همچنین مربیان، دانشجویان، طرفداران فعال حقوق بشر و متخصصان رسانه‌های گروهی طراحی شده است. هدف این کتاب، پاسداری از حقوق انسان‌ها، بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر است.

ویرایش: جانس سیموندز و ولادیمیر و لودین

پیشگفتار: کویچیرو ماتسورا

۶۲۸ ص. ۱۳ × ۲۱ سانتی‌متر

۱۴/۸۰ یورو

از انتشارات یونسکو، ۲۰۰۳

حقوق بشر: حفاظت بین‌المللی، کنترل، اجرا

این مجموعه، سومین جلد از سلسله انتشارات یونسکو برای تدریس حقوق بشر در سطح آموزش عالی است. این کتاب، برای پاسداری بین‌المللی از حقوق بشر از روش سازمانی استفاده می‌کند. کتاب یاد شده، ابتدا به بررسی نظام سازمان ملل - که ممکن است به عنوان یک نظام جهانی به شمار آید - و سپس به تحلیل نظام‌های محافظتی منطقه‌ای می‌پردازد. این کتاب یک منبع اطلاعاتی ضروری برای صیانت از حقوق بشر است و در عین حال راهنمایی عملی برای استفاده از روندهای موجود در خصوص دفاع از حقوق بشر است.

ویرایش: جان سیموندز

۴۲۲ ص. ۱۵/۵ × ۲۳/۵ سانتی‌متر

۳۳/۸۰ یورو

از انتشارات یونسکو / اشگیت، ۲۰۰۳

به سوی فرهنگ / آموزشی چندفرهنگی

براساس تحقیقی که در کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین انجام شده، این کتاب در آموزش رسمی و غیر رسمی از کاربرد زبان‌های محلی و زبان مادری طرفداری می‌کند. در این کتاب، شکست فاحش اغلب سیاست‌های زبانی میراث دورهٔ استعمار نشان داده شده و بر مزایای بسیار آموزش چند فرهنگی تأکید شده است. مخاطبان این بررسی، زبان‌شناسان، تصمیم‌گیرندگان و همچنین محققان و مدرسانی که با نتایج تنگ‌نظرانهٔ تک‌زبانی تماس مداوم دارند، هستند.

ویرایش: آداماوان

۴۹۰ ص، ۴/۷ × ۲۱ سانتی‌متر

۱۲/۰۰ یورو

از انتشارات یونسکو، ۲۰۰۳

سنگ اسکاندیناویایی

این کتاب، منبع ارزشمندی است درباره سنگ‌های طبیعی‌ای که در کشورهای اسکاندیناوی (نروژ، سوئد و فنلاند) یافت شده است و توصیفی از تمام گونه‌های سنگی مهم را به همراه اطلاعاتی درباره زمین‌شناسی و فناوری آنها به دست می‌دهد. کتاب حاضر، همچنین شامل فصل‌هایی درباره تاریخ و میراث سنگ در این کشورهاست که روش کشف، استخراج و به عمل آوردن آنها را توصیف می‌نماید و روی موضوع‌های محیطی مربوط به تولید سنگ، بررسی دقیقی می‌کند. این کتاب، دارای عکس‌های زیادی است و همچنین در بر دارنده نقشه لایه‌های سنگ‌های طبیعی، به همراه فهرست مکان‌ها و نام‌های تجاری سنگ‌های گوناگون است.

ویرایش: الاوی سلون و ولی سومینن

۶۴ ص، ۱۹/۵ × ۲۷ سانتی‌متر

۱۶/۰۰ یورو

از انتشارات یونسکو / IAEG

کوچک مؤثر واقع می‌شود:**فناوری در خدمت کاهش فقر**

اپی. اف. شوماکر، نویسنده کتاب کوچک زیباست: این کتاب که در سال ۱۹۷۳ با یک بررسی اقتصادی به گونه‌ای که مورد توجه مردم بود، منتشر شد، استفاده از فناوری کم‌هزینه و کوچک را در کشورهای در حال توسعه گسترش داد. رساله حاضر از طریق ویدئو، تحقیق و بررسی‌های موردی را ارائه کرده است تا نشان دهد که چگونه مقیاس انسانی و فناوری پایدار می‌توانند نقش مهمی را در فرآیند ریشه‌کنی فقر از کشورهای کمتر توسعه یافته ایفا نمایند.

ویدئو ۹۰ دقیقه (PAL) و رساله ۶۰ ص

۱۴/۸۰ یورو

از انتشارات یونسکو / TVE/ITDG

زمین

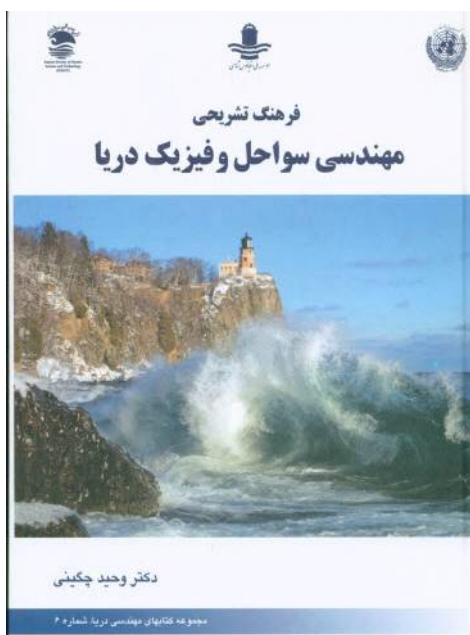
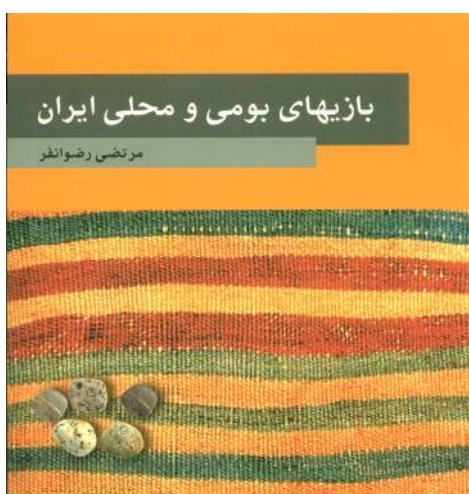
هدف این بازی کاردی، حل بحران‌های بوم‌شناختی، اجتماعی - اقتصادی، نظامی و سیاسی به طور گروهی برای حفظ صلح و برقراری شرایطی است که توسعه پایدار را میسر سازد. بازیکنان باید با یکدیگر کار کنند و علاقه‌های شخصی خود را نادیده گیرند. اگر این بحران‌ها انباشته شوند، در جهان به نفع هیچ‌کس نیست. قواعد این بازی به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، اسپانیولی، آلمانی و کاتالان در دسترس است.

۱۹/۹۵ یورو

ویرایش یونسکو / ۲۰۰۳

پیام یونسکو

مرکز انتشارات کمیسیون ملی
یونسکو در ایران منتشر کرده است



- صاحب امتیاز: وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری -
- کمیسیون ملی یونسکو در ایران
- مدیر مسئول : دکتر محمد توکل
- سردبیر: فریده پورهادی
- مترجم: داوود طبائی
- پشتیبان فناوری اطلاعات: مهندس نازنین صادقی
- مسئول هماهنگی : لیلا افاضل
- ویراستار فنی : مهر ناز پیروز نیک
- بازبینی متن : فخرالشریعه باز افکن
- حروفچینی : لیلا جوادی
- طراح گرافیک: کیمیا ملکی
- پشتیبان صحافی : محسن اسماعیل زاده
- صحافی : چاپ دیجیتال شنگرف
- چاپ : ادارهٔ اعلام وصول

نشانی : تهران - خیابان میرداماد - روبه‌روی مسجد الغدیر
خیابان شهید حساری - کوچه یکم - پلاک ۱۵
کد پستی : ۱۵۴۸۹۴۶۱۱۱ ، تلفن : ۲۲۲۷۹۸۸۵-
۲۲۲۵۰۸۹۰

نشانی سایت: www.irunesco.org
پست الکترونیکی: unesco.iran@gmail.com